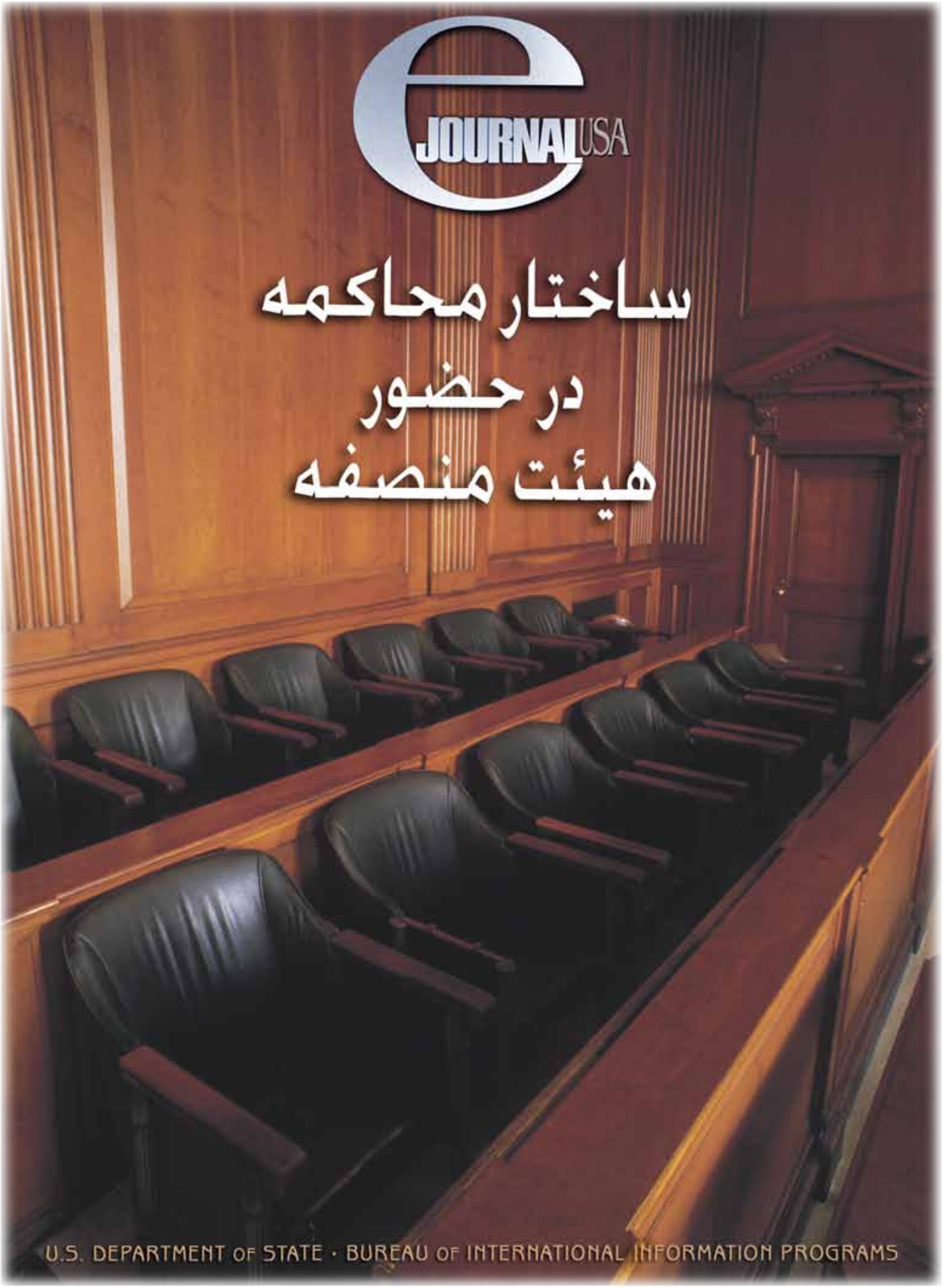

eJOURNAL USA

ساختار محاکمه در حضور هیئت منصفه

U.S. DEPARTMENT OF STATE · BUREAU OF INTERNATIONAL INFORMATION PROGRAMS

اداره برنامه های اطالعات بین المللی وزارت امورخارجه ایاالت متحده هرماه یك مجله الکترونیکی تحت عنوان مجله الکترونیکی ایاالت متحده ٔامریکا (eJournal USA) منتشر می کند. این مجالت مسأیل مهم پیش روی ایاالت متحده و جامعه بین المللی، و همچنین جامعه، ارزشها، افکار و موسسات ایاالت متحده را مورد بررسی قرار می دهند.

هر ماه یك مجله جدید به زبان انگلیسی منتشر می شود و سپس نسخه های ٔان به زبان های فرانسه، پرتغالی، روسی و اسپانیایی انتشار می یابند. بخش های منتخبی از ٔانها به زبان های عربی، چینی و فارسی منتشر می شوند. هر مجله بر اساس شماره و جلد ٔان مشخص می شود.

دیدگاه ها و یا سیاست های دولت ایاالت متحده نمی باشد. وزارت امور خارجه درقبال محتویات و امکان دسترسی دایمی به تارنماهای اینترنتی که بازدیدکنندگان را به این مجله ها ارجاع می دهند، هیچ مسئیولیتی ندارد؛ اینگونه مسئیولیت ها صرفاً مربوط به ناشرین ٔان تارنماها می باشد. امکان چاپ مجدد و ترجمه مقاالت، عکس ها و تصاویر این مجله ها در خارج از ایاالت متحده وجود دارد، مگر اینکه به طور صریح به محدودیت های حق چاپ انحصاری اشاره شده باشد، که در چنین مواردی باید از دارنده حق چاپ انحصاری ذکر شده در مجالت کسب اجازه گردد.

اداره برنامه های اطالعات بین المللی وزارت امور خارجه نسخه های کنونی و قبلی این مجالت را در قالب های مختلف الکترونیکی در ٔادرس اینترنتی: http://www.america.gov/publications/ ejournalusa.html در دسترس قرار داده شده است. نظرات و پیشنهادات خود را می توانید به سفارت ٔامریکا در منطقه خودتان و یا به هر یك از دفاتر ویراستاری ارسال نمایید:

Editor, eJournal USA
IIP/PUBJ
U.S. Department of State
.4th St. S.W 301
Washington, DC 20547
United States of America

E-mail: eJournalUSA@state.gov

وزارت امور خارجه ایاالت متحده/ژانویه 2010/ جلد 14 / شماره7

http://www.america.gov/ar/publications/ejournalusa.html

اداره اطلاعات بین المللی:

هماهنگ کننده	جرمی اف. کورتین
تدوینگر اجراي	جاناتان مارگولیس
کارگردان هنری	جرج کالک
سردبیر	ریچارد دبلیو. هاکابی
دستیار مدیر تدوین	شارلن پورتر
مدیر تولید	جانین پری
دستیار مدیر تولید	کلوه دی. اللیس
سردبیر کپی	کتلین هوگ
تدوین تصاویر	مگی جانسون اسلیکر
طراح روی جلد	مین یاو
متخصص منابع	انیتا اِن. گرین
	ایونوا چوهه

در باره این شماره

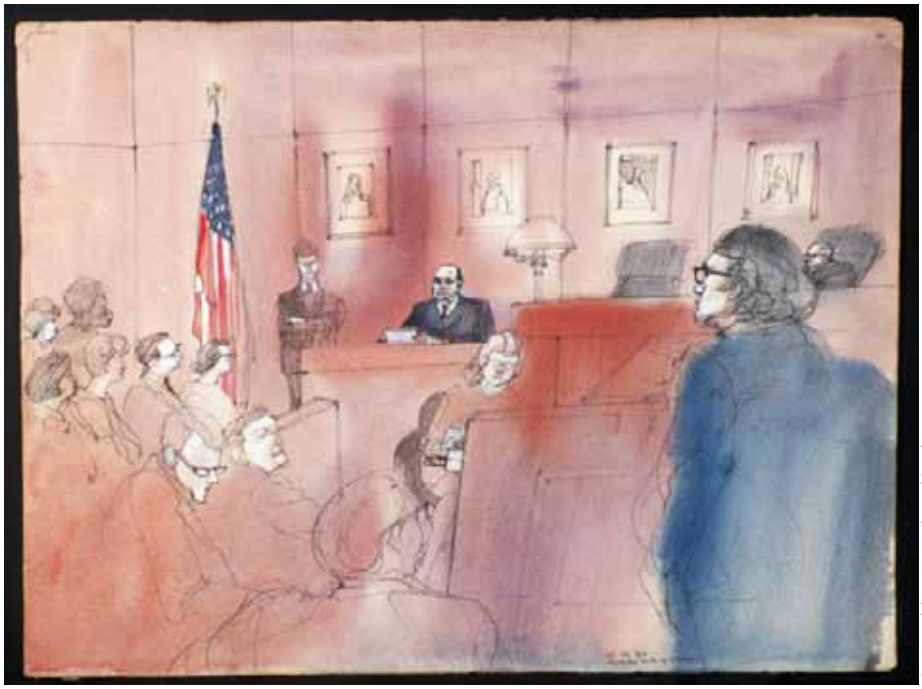

© Franklin McMahon/Corbis

در فیلم ”دوازده مرد خشمگین“، فیلم کلاسیک هالیوود در دهه 1950، مذاکرات در درون اطاق هیئت منصفه به صحنه کانونی تبدیل می شود. هنری فوندا، بعنوان عضو شماره هشت هیئت منصفه، تحت فشار به علیه محکومیت یک نوجوان هیسپانیک (اسپنیایی زبانان آمریکای لاتین) که به کشتن پدر خود متهم شده مقاومت می کند وبه آرامی عقیده سایر اعضای هیئت منصفه را -- دانا و نادان، پیر و جوان، مهربان و متعصب -- از طریق بحث های تنش زا، و مهیج به دادن رأیی مبنی بی گناهی وی، تغییر می دهد

محاکمات با حضور هیئت منصفه در زندگی واقعی معمولاً به این اندازه هیجان انگیز و الهام بخش نیستند، امّا هنوز هم از بسیاری از جهات از مزایای فراونی برخوردارند

هیئت های منصفه -- معمولاً از گروه هایی 6 تا 12 نفره از شهروندان عادی ترکیب یافته اند – خدماتی حیاتی برای همشهریان خود فراهم می کنند: درست مثل انگلستان در قرون وسطی، که این هیئت ها در آنجا شکل گرفتند، اعضای هیئت منصفه دولتها، حتی دولتهای مردم سالار را، از پیگردهای ستمگرانه باز می دارند.

فرد گراهام که یک گزارشگر تلویزیونی است در این شماره eJournal USA می نویسد: ” قدرت حیرت آور حکومت در مورد مجازات، یا عدم مجازات، شهروندان، در دست اعضای هیئت منصفه است. در این راستا، آنها بالاتر از دولت قرار می گیرند -- و این موقعیت آنها را به موضوعی جذاب در سراسر دنیا تبدیل کرده است.

”نظام هیئت منصفه هرگز از نظام قضایی که بزرگتر از آن است یا حتی خود دولت مردم سالار کامل تر نیست. در ایالات متحده، که شهروندان در آنجا همیشه در صدد ایجاد اتحادیه ای کامل ترهستند، رهبران قضایی ظرافتهایی را وارد هیئت منصفه می کنند. آنها دست به کار اصلاح ترکیب اعضای هیئت منصفه بگونه ای هستند به گونه ای که بیشتر نماینده گروه های قومی و اقتصادی جامعه با زمینه های متنوع باشند.

این موضوع ، به یک معنی خود نظام هیئت منصفه را با شهادت عینی از میان خود اعضای آن، قضات، یک دادستان، یک وکیل مدافع، یک شاهد، و یک گزارشگر در معرض آزنمونی دوباره قرار می دهد. یک بحث نکته در برابر نکته میاناستادان حقوق امریکایی و هلندی مسئله ای را که نشریه به کرات مطرح ساخته است روشن می کند: آیا زمانیکه جرمی بوقوع می پیوندد محاکمه در حضور هیئت منصفه بهترین راه برای رسیدن به عدالت است؟ ما همچنین تأثیر متقابل فرهنگ عامه و جریان اطاق هیئت منصفه از طریق عکسهای برگرفته از فهرست کانون وکلا در مورد بهترین فیلم های سینمایی که ازمحاکمه ها ساخته شده و مصاحبه ای با یک تولید کننده سریال معروف تلویزیونی ”قانون و نظم“ بررسی می کنیم.

اینجا حقیقتی در خور توجه وجود دارد: 29 در صد از امریکاییهای بالغ، در طول زندگیشان، در هیئت منصفه انجام وظیفه کرده اند. و، به احتمال قوی، آنها به خاطر این کار به شهروندان بهتری تبدیل شده اند.

-- هیئت تحریریه

وزارت امور خارجه ایالات متحده/ژانویه 2010/ جلد 14 / شماره7
http://www.america.gov/ar/publications/ejournalusa.html

ساختار محاکمه در حضور هیئت منصفه

4 **هیئت منصفه در آمریکا**
نوشتهٔ: فرد گراهام
نظام هیئت منصفه در آمریکا از شیوه ای در بریتانیا سرچشمه می گیرد که هدف آن حمایت از زیردستان در برابر استبداد شاه بود. با گذشت صد ها سال، این نظام با تغییرات جامعه متحول گردید و پا بر جا ماند، و هم اکنون نیز نظارتی بر قدرت دولت است.

7 **نقش اعضای هیئت منصفه**
نوشتهٔ: دی گراهام برنت
اثبات قطعی گناه، آزمایشی دشوار برای اعضای هیئت منصفه است. با این که احتمال آزاد شدن مردان یا زنان گناهکار وجود دارد، اما بازهم شیوهٔ هیئت منصفه بر دیگر شیوه ها برتری دارد. دادرسی جنایی که شرح آن در زیر آمده، واقعیت دارد اما مؤلف نام اشخاص را تغییر داده است.

11 **فرهنگ اصطلاحات دادرسی هیئت منصفه**
این فهرست توسط جك كينگ، مدير روابط و امور عمومی، انجمن ملی وکلای مدافع کیفری، واشنگتن دی سی تهیه شده است.

15 **نقش قاضی**
نوشته ریکاردو ام. اوربینا
قاضی باید اطمینان حاصل کند که هیئت منصفه از نقش خود در جایگاه قضات آگاه هستند و این که برای اجرای عدالت سوگند یاد کرده اند.

18 **سخنی در تأیید دادرسی با حضور هیأت منصفه**
نوشته نیل ویدمار
دادرسی هایی که با حضور هیأت منصفه صورت می گیرند، نه تنها در جامعه به احکامی که برای پرونده های دادگاه صادر می شود ، اعتبار می بخشد ، بلکه به نظر می رسد اعضای هیأت منصفه را به شهروندان بهتری تبدیل می کنند .

محاکمات با حضور هیئت منصفه: مخالفت
بيتر جي فان كوبن، أستاذ في علم النفس القانوني في كلية نوشتهٔ پیتر جی ون کوپن
سیستم محاکمات با حضور هیئت منصفه به قدری پیچیده و پرهزینه است که غالب متهمان مجبور می شوند اقرار مصلحتی به گناه را که به طور پنهانی درمورد آن توافق می شود، بپذیرند. در تعداد نسبتا کمی از پرونده هایی که محاکمه برگزار می شود، اعضای هیئت منصفه غالبا به بررسی مسائل فنی می پردازند که شایستگی آن را ندارند.

27 **نقش دادستان**
نوشته شِین رد
هدف دادستان در یک محاکمه نه فقط متقاعد ساختن اعضای هیت منصفه دعوی دولت نسبت به این که متهم جرمی مرتکب شده است، بلکه حصول اطمینان از آن است که هیچ فرد بی گناهی به اشتباه محکوم نشود.

28 **فرهنگ اصطلاحات دادرسی هیئت منصفه**

29 **نقش وکیل مدافع**
نوشتهٔ بری پولاک
برای متهمانی که می خواهند خطرات محاکمه شدن را به جان بخرند، وکیل مدافعی کارآمد می تواند حتی قدرت های غیر معمول در دولت را نیز به چالش بکشد.

32 **درخشش گوهر عدالت**
غريغوري أي مايز، زميل قضائي في المركز القومي لمحاكم الولايات
تعمل منظمتان على تشجيع المبادئ الهادفة إلى جعل هيئات المحلفين تمثل مجتمعاتها بدرجة أكبر، وإلى تغيير طريقة إجراء المحاكمات لتمكين المحلفين من فهم المسائل المعقدة بصورة أفضل.

34 **نقش شاهد**
نوشته ماوریس پاسلی
شیوه ای که شاهد حقایق پرونده را بیان می کند می تواند بر احساسات هیئت منصفه تأثیر گذار باشد.

36 **برخی تفاوتهای بین ایالات**
نویسنده: پائولا ال. هانافورد-آگور
در نظام فدرالی آمریکا، قوانین ایالتی و ملی انواع مختلفی از جرایم و دعاوی را تحت پوشش قرار می دهند. عملکردهای هیئت منصفه تا اندازه ای بین دادگاههای ایالتی و فدرال و حتی بین خود دادگاههای ایالتی متفاوت است.

38 **نقش روزنامه نگار**
مقاله ای از تد گست
موشکافی گزارشگران خبری در مورد محاکماتی که در حضور هیئت منصفه برگزار می شود به عموم مردم این اطمینان مضاعف می دهد که نظام قضایی عادلانه عمل می کند.

40 **قانون و نظم بازتاب زندگی واقعی است**
مصاحبه ای با ریچارد سورن
مجموعهٔ تلویزیونی قانون و نظم، 19 سال است که با ارائهٔ پیچیدگی اضطراب آور نظام حقوق جنایی در زندگی واقعی، طرفداران تلویزیونی خود را مجذوب کرده است

43 **منابع دیگر**

هیئت منصفه در آمریکا

فرد گراهام

نظام هیئت منصفه در آمریکا از شیوه ای در بریتانیا سرچشمه می گیرد که هدف آن حمایت از زیردستان در برابر استبداد شاه بود. با گذشت صد ها سال، این نظام با تغییرات جامعه متحول گردید و پا بر جا ماند. و هم اکنون نیز نظارتی بر قدرت دولت است.

فرد گراهام ، گویندهٔ خبر تروتی وی است که نام سابق آن کورت تی وی بوده، و از سال *1972* تا سال *1987* اولین گزارشگر دادگاه برای اخبار کانال *CBS* بوده است. این مقاله در شمارهٔ ژوییهٔ *2009* نشریهٔ الکترونیکی *USA*، ساختار محاکمات با حضور هیئت منصفه به چاپ می رسد.

در زمستان سال 2009، زندانیان زندان رومیه در لبنان اجازه یافتند تا نمایشی را به روی صحنه ببرند. آن ها روایت عربی 12 مرد خشمگین را انتخاب کردند، نوعی درام تلویزیونی آمریکایی که در سال 1957 هم یک فیلم پر فروش بر اساس آن ساخته شد، دربارهٔ اعضای هیئت منصفه که بحث سرسختانه ای بر سر یک پروندهٔ جنایی دارند و سرانجام هم متهم را گناهکار تشخیص می دهند.

روایتی که زندانیان بر روی صحنه بردند با موفقیت زیادی رو به رو شد – علی رغم این که لبنان، مانند غالب کشورها، از محاکمه با حضور هیئت منصفه برخوردار نیست و همهٔ تماشاگران زندانی بدون بهره مند شدن از جلسات اضطراب آور مشاوره، که جوهر محاکمات با حضور هیئت منصفه را تشکیل می دهد، به حبس محکوم شده اند. در واقع، 90 درصد از محاکماتی که در آن از هیئت منصفه استفاده می شود، در آمریکا که این رسم رواج دارد، تشکیل می شود.

چه چیزی باعث می شود شیوهٔ هیئت منصفهٔ آمریکا برای مردم این چنین جذاب باشد؟ چرا در آمریکا نشو و نما کرده اما در جاهای دیگر وجود ندارد؟ آیا این شیوهٔ هیئت منصفه آمریکایی هم، مانند کشورهای دیگری که زمانی به طور وسیع از هیئت منصفه استفاده می کردند و به تدریج آن را با تصمیم های قاضی جایگزین کردند، حامل بذر افول خود است؟

این پاسخ ها را باید در ریشه های تاریخی شیوهٔ هیئت منصفهٔ آمریکا و ظرفیت چشمگیر سیستم آمریکا برای تطبیق با تحولات حقوقی و اجتماعی جستجو کرد که در غیر این صورت ممکن بود بقای محاکمات با حضور هیئت منصفه را تهدید کند.

سیستم هیئت منصفهٔ آمریکا، میراثی است که از انگستان دوران قرون وسطی به آن رسیده، که هیئت های 12 نفری مردان ”آزاد و قانونمند“ در هر جامعه ای برای کمک به شاه در جاری ساختن عدالت، احضار می شدند. طی قرن ها، تصمیم گیری این هیئت ها برمبنای آن چه از جرم می دانستند، استوار بود. اما با بیشتر شدن جمعیت انگستان، این هیئت ها نمی توانستند به شایعات محله متکی باشند و به همین جهت، تصمیمات آنها را مبنی بر شواهد دادگاه می گرفتند. زمانی که سیستم حقوقی آمریکا، الگوی بریتانیا را درپیش گرفت، به اعضای هیئت های منصفهٔ آمریکایی اخطار می شد آن چه ممکن بود درمورد پرونده بدانند را ندیده بگیرند و تنها با تکیه به شواهد دادگاه تصمیم گیری کنند.

بریتانیایی ها محاکمات با حضور هیئت منصفه را دفاعی در برابر اقدامات ظالمانهٔ شاه می دانستند، اما تشکیل دادگاه با حضور هیئت منصفه دلایل عملی هم داشت. قوانین انگلیسی دارای مجازات های سختی بود، از جمله مجازات اعدام برای جرایم به نسبت جزئی و پیش پا افتاده. هیئت های منصفهٔ بریتانیایی، با تبرئهٔ متهمان یا تشخیص گناهکاری آنان در جرایم جزئی تر، تأثیر این مجازات ها را کاهش می دادند.

مقاومت دربرابر ظلم

قوانین آمریکا چنین مشکلی نداشت، اما مستعمره نشینان آمریکایی در قرن هجدهم دلایل خاص خود را برای تشکیل دادگاه با حضور هیئت منصفه داشتند – آن را به عنوان سپری دربرابر تعقیب های کیفری ظالمانهٔ بریتانیایی ها استفاده می کردند. حاکمان بریتانیایی، مکررا برای ارسال غیرقانونی کالا با کشتی های غیر بریتانیایی، علیه آمریکایی ها اعلام جرم می کردند، تا هیئت های منصفهٔ محلی متهمان را تبرئه کند. وقتی جان پیتر زنگر ، ناشر برجستهٔ آمریکایی به خاطر انتقاد از فرمانداری که توسط پادشاه انگلیس تعیین شده بود، به محاکمه کشیده شد، هیئت منصفه ای در نیویورک او را بی گناه تشخیص داد و همین امر پیش درآمدی زودرس برای آزادی مطبوعات گشت. با حرکت مردم آمریکا به سوی انقلاب، تعجبی نداشت که در اعلامیهٔ استقلال، شاه انگلیس را به خاطر ”محروم کردن آن ها در بسیاری از موارد از امتیاز محاکمه با حضور هیئت منصفه“ محکوم کردند.

و زمانی که این کشور نوپا، منشور حقوق بشر را در سال 1791 به تصویب رساند، در آن تصریح شده بود که ”در کلیهٔ پیگرد های جنایی، متهم می تواند از حق محاکمهٔ سریع و علنی، توسط یک هیئت منصفهٔ بی طرف، برخوردار باشد“. به علاوه پیش بینی شده بود که حق محاکمه با حضور هیئت منصفه در مورد پرونده های غیرنظامی هم باید محفوظ باشد.

در سال هایی که سپری شده، دیوان عالی آمریکا این ضمانت ها را به نوعی تفسیر کرده تا هیئت منصفه بتواند خود را با شرایط متغیر تطبیق دهد. در حالی که خدمت در هیئت منصفه، زمانی تنها محدود به مردان سفید پوست بود که از دارایی برخوردار بودند، این حق به تدریج به زنان هم داده شد. دادگاه

مقرر کرد که حق برخورداری از محاکمه با حضور هیئت منصفه نباید جرایم جزئی را شامل شود، و این که متهمان می توانند از این حق گذشته و در برابر قاضی محاکمه شوند.

در اصل، همهٔ هیئت های منصفه دارای 12 عضو بوده اند که باید تصمیم خود را به طور یکپارچه اعلام می کردند، اما دیوان عالی با دادن انعطاف بیشتر به این سیستم مقرر کرد که این هیئت ها می توانند از 6 عضو هم تشکیل شوند و لزومی ندارد همهٔ آرا یکپارچه باشند. طبق سنت، متهمان فقیر مجبور بودند به تنهایی در مقابل هیئت منصفه با دادستان رو به رو شوند، اما دیوان عالی مقرر کرد که دولت وظیفه دارد وکلای مدافع را به طور رایگان در اختیار آنان قرار دهد.

تا اندازه ای، حق محاکمه با حضور هیئت منصفه شاید با ابهت تر از آن چه در واقع است به نظر بیاید زیرا در عمل، اکثریت اعظم متهمان تقاضای استفاده از حق خود برای محاکمه ای با حضور هیئت منصفه را نمی کنند. آن ها می دانند که در صورت محاکمه با هیئت منصفه، اگر گناهکار شناخته شوند، وجود شواهد موجب می شود که تخلف آن ها برجسته تر شده و قاضی تمایل به تعیین مجازات سنگین تری می یابد. به همین خاطر آن ها با قرار و مدار با دادستان، مصلحتی به جرم اقرار می کنند – آن هاتوافق می کنند که در مقابل مجازات خفیف تر، به جرم سبک تری اعتراف کنند. دادستان غالبا با اقرار مصلحتی به جرم موافق است زیرا موجب صرفه جویی در زحمت، مخارج، و عدم یقین از تشکیل محاکمه می شود. در بسیاری از حوزه های قضایی، از هر 10 پیگرد قانونی، 9 تای آن به این شکل حل و فصل می شود، یم نی بدون محاکمه با حضور هیئت منصفه.

اتکای شدید به اقرار مصلحتی به جرم عموما از سوی ناظران سیستم قضایی آمریکا مورد انتقاد قرار می گیرد. این امر منعکس کنندهٔ این واقعیت است که در حالی که دادستان و وکیل مدافع در تئوری باید از شرایط یکسانی برای پیرزو شدن در برابر هیئت منصفه برخوردار باشند، اما در واقع، دادستان امتیازات بیشتری دارد. متهم حق مشاورهٔ حقوقی دارد، اما معمولا وکیل مدافع او یک وکیل تسخیری فاقد تجربهٔ کافی است که اشتغال زیادی دارد و بیشتر مایل است سرو ته پرونده را با یک اقرار مصلحتی به جرم هم بیاورد تا این که در برابر هیئت منصفه به دفاع از آن بپردازد. به علاوه، معمولا دادستان برای انجام تحقیقات ضروری، تحلیل شواهد، و کنترل اعضای احتمالی هیئت منصفه، بیشتر از وکیل مدافع از منابع مالی بهره مند می شود. درنتیجه، متهمان در ارتباط با حق برخورداری از محاکمه با حضور هیئت منصفه، تا حدی دچار بدبینی می شوند، زیرا به نظر می رسد بازده حقوقی آن گاهی کمتر از آن چه نوید می دهد، است.

درواقع، دانش پژوهان، قضات، و ناظران دیگر سیستم هیئت منصفه به یک رشته مشکلات اشاره می کنند که نتیجهٔ تحولات مدرن است و دولتمردانی که در منشور حقوق بشر پاسدار محاکمه با حضور هیئت منصفه بودند، نمی توانسته اند آن را به تصور آورند.

تأثیر نژاد

یکی از این مسائل مشکل ساز، تأثیر نژاد بر انتخاب هیئت

انتخاب های انجمن وکلای آمریکا

© Time & Life Pictures/Getty Images

تشریح یک جنایت (1959) — یک میخانه چی جانی در شهری کوچک به افسر ارتشی که چندان دوست داشتنی هم نیست اتهامی وارد می کند، و ادعا می کند که او به همسر عشوه گرش تجاوز کرده است. این فیلم واقع گرایانه رفتار شرکت کنندگان در محاکمه را طوری به تصویر می کشد که کاملا متفاوت از رفتار مطلوب است، با وجود این، این طور نشان می دهد که حتی ناقص ترین روال محاکمه نیز می تواند منجر به ارائهٔ راه حلی معقول، گر چه ناقص، شود. قاضی (به بازی گری جوزف ان ولش، سمت چپ، که قاضی واقعی و بسیار مشهوری است) در حال رایزنی با وکیل مدافع (به بازی گر جیمی استوارت، وسط) و دادستان (به بازی گری جورج س اسکات، سمت راست) است.

منصفه است. طبق سنت، طی گزینش اعضای هیئت منصفه، هر دو طرف دارای حق حذف تعداد معینی از اعضای احتمالی هیئت منصفه بوده اند و این کار را می توانستند بدون ارائهٔ دلیل خاصی انجام دهند. در سال های اخیر، بعضی از دادستان ها از حقی موسوم به "چالش های لازم الاجرا" برای حذف همهٔ آفریقای آمریکایی ها از میان اعضای هیئت منصفه استفاده کرده اند، و این طور استدلال می کنند که آن ها در پرونده های جنایی به نفع متهمان جهت گیری می کنند. دیوان عالی این رسم را محکوم، و مقرر کرده که دادستان برای حذف سیاه پوستان از هیئت منصفه باید دلایل قانع کننده ارائه دهد. اما اجرای این مقررات با مشکل رو به رو می شود زیرا دادستان ها تبحر خاصی در ارائهٔ دلایل غیر نژادی جهت حذف بعضی افراد که تصادفا سیاه پوست از آب درمی آیند، یافته اند. نتیجهٔ آن رنجشی وخیم است که متهمان سیاه پوست و وکلای مدافع آنان از سیستم پیدا می کنند، سیستمی که به زعم آنان متهم را از داشتن یک هیئت منصفهٔ هم طراز محروم می کند.

مشکل دیگری که بنیان گذاران آمریکا هرگز نمی توانستند پیش بینی کنند، تأثیر متهمان سرشناس بر سیستم هیئت منصفه است. محبوبیت تلویزیون و فیلم های سینمایی در ایالات متحده، فرهنگ اشخاص سرشناس را پدید آورده که موجب شده بعضی، آدم های ثروتمند و معروف را محق تر از افراد عادی تلقی کنند. این موضوع، زمانی که یک فرد سرشناس محاکمه می شود و بعضی از اعضای هیئت منصفه طرفدار او هستند، می تواند نتیجهٔ غریبی به بار آورد.

یکی از کلاسیک ترین نمونه ها در سال 2005 و طی محاکمهٔ مایکل جکسون فقید در کالیفرنیا به دلیل اتهام هتک حرمت کودکان بود. هنگام گزینش اعضای هیئت منصفه معلوم شد اگر چه انجام وظیفه به عنوان عضو این هیئت در محاکمه ای چنین طولانی خسته کننده است، اما بسیاری از اعضای احتمالی، برای به دست آوردن این موقعیت، ماهرانه نقشه کشیده بودند. تماشاگران از همهٔ نقاط جهان برای مشاهدهٔ جکسون در محاکمه گرد می آمدند، و بعضی از اعضای هیئت منصفه چنان دچار جوّ زدگی شده بودند که رفتارهای غریبی از خود نشان می دادند. نمونه اش این که، یک عضو هیئت منصفه، به طور پنهانی یک نوار ویدیویی از گزارش تلویزیون درمورد محاکمه را باخود به اتاق هیئت منصفه برده بود. وقتی هیئت منصفه با اجماع رأی مایکل جکسون را از همهٔ اتهامات تبرئه کرد، دو تن از اعضای هیئت منصفه در تلویزیون ظاهر شده اعلام کردند که او در واقع گناهکار است و آن ها قصد دارند کتابی دربارهٔ این پرونده بنویسند.

نوشتن کتاب توسط اعضای هیئت منصفه و دربارهٔ شخصیت های سرشناس، یکی از مشکلات همیشگی است. برای تعداد زیادی از این افراد، بستن قرارداد برای نوشتن کتاب، بهترین فرصت زندگی و شانس پولدار شدنشان است، و نمی توانند در مقابل این وسوسه مقاومت کنند. در سال 1995، بعد از محاکمهٔ جنجالی او جی سیمپسون ، هنرپیشه و ستارهٔ سابق فوتبال، که به طور بحث انگیزی از قتل همسر سابق خود و دوست او تبرئه شد، قاضی دادگاه شکایت کرد که هر یک از اعضای هیئت منصفه به نوعی مشغول قرار داد بستن برای چاپ کتاب است. ناظران حقوقی معتقد هستند که اعضای هیئت منصفه با استفاده از حق آزادی بیان که در متمم اول قانون اساسی آمده، می توانند دربارهٔ پرونده ای که درمورد آن قضاوت کرده اند، مطلب بنویسند، اما غالب منتقدان معتقدند که این رسم ممکن است تأثیری غیراخلاقی بر شیوهٔ هیئت منصفه بگذارد.

آمریکای شهرنشین مشکلات دیگری را برای سیستم هیئت منصفه ایجاد می کند که بنیان گذاران آمریکا نمی توانسته اند آن را پیش بینی کنند. پوشش رسانه ای پرونده های خبرساز چنان فراگیر شده که انتخاب یک هیئت منصفهٔ سالم ممکن است هفته ها یا شاید ماه ها به طول بیانجامد. شغل تازه ای که کار آن ارائهٔ مشاوره برای انتخاب اعضای هیئت منصفه است، از فنون پیچیده ای برای سنجش افکار استفاده می کند که به وکلای مدافع در انتخاب اعضایی که با آن ها موافق باشند، کمک زیادی می کند. محاکمات با حضور هیئت منصفه در مورد پرونده های خبرساز گاهی به قدری پیچیده هستند که متهمانی که از عهدهٔ استخدام تیم های حقوقی برمی آیند از یک امتیاز هم استفاده می کنند، آن ها این فکر را در ذهن عموم مردم ایجاد می کنند که سیستم به نفع ثروتمندان کار می کند.

علی رغم مشکلات، شیوهٔ هیئت منصفه، جایگاه سالمی در ایالات متحده دارد. هیئت منصفه از قدرت فوق العادهٔ ایالت برای مجازات یا عدم مجازات شهروندان برخوردار است. در این مورد، آن ها برتر از حاکم مطلق هستند – و همین امر موجب شده در سراسر جهان از جذابیت زیادی برخوردار باشند.

خدمت هیئت منصفه در امریکا

تعداد تخمینی دادگاههای هیئت منصفه امریکا در سال : 154 هزار (149 هزار دردادگاه های ایالتی ، 5 هزار در دادگاه های فدرال)

- 66 درصد دادرسی های جنایی (47 درصد جرائم جنایی به علاوه 19 درصد جرائم جنحه)
- 31 درصد دادرسی های مدنی
- 4 درصد غیره

منبع : نظر سنجی زیر عنوان "وضعیت ایالات" در بارهٔ کوششهای مربوط به بهبود کار هیئت منصفه (آوریل 2007) ، مرکز ملی دادگاه های ایالتی

توجه : حاصل جمع برای ارائهٔ اعداد سرراست از 100 فراتر می رود.

نقش اعضای هیئت منصفه

دی گراهام برنت

© AP Images/Mona Shafer Edwards

اثبات قطعی گناه، آزمایشی دشوار برای اعضای هیئت منصفه است. با این که احتمال آزاد شدن مردان یا زنان گناهکار وجود دارد، اما بازهم شیوهٔ هیئت منصفه بر دیگر شیوه ها برتری دارد. دادرسی جنایی که شرح آن در زیر آمده، واقعیت دارد اما مؤلف نام اشخاص را تغییر داده است. دی گراهام برنت استاد تاریخ دانشگاه پرینستون و یکی از مدیران نشریهٔ کابینت در بروکلین، نیویورک است. او نویسندهٔ چندین کتاب، از جمله محاکمه ای با حضور هیئت منصفه، و اخیرا نیز محاکمهٔ لویاتان است. این مقاله در شمارهٔ ژوییهٔ 2009 نشریهٔ الکترونیکی USA، ساختار محاکمات با حضور هیئت منصفه به چاپ می رسد.

خدمت در هیئت منصفه چگونه است؟ میلیون ها آمریکایی می توانند، هر یک به نوعی، به این سؤال پاسخ دهند. اما این موضوع که هریک از آن ها پاسخی برای گفتن داشته باشد – و این که هر یک به دادگاه پا گذاشته، شاهد جریان یک دادرسی بوده، و درپایان نیز به قضاوت یک همشهری نشسته باشد – حاکی از وجود آرمان های صداقت و دموکراسی است که ما در ایالات متحده خواهان آن هستیم.

ایالات متحده به هیچ وجه یک کشور کامل و بی نقص نیست، و ما دارای یک سیستم قضایی بی نقص هم نیستیم، اما سنت هیئت منصفهٔ ما که متشکل از شهروندان است فرصت خوبی برای آمریکایی های عادی پدید می آورد که درعملی نمودن حکومت قانون و ایجاد جامعه ای به حق، مشارکتی صمیمانه و چالش انگیز داشته باشند.

نباید این نهاد راخیال انگیز جلوه دهیم (مهم است به یاد داشته باشیم که به اکثریت اعظم پرونده های حقوقی در ایالات متحده بدون دادرسی با هیئت منصفه رسیدگی می شود)، و همیشه این خطر وجود دارد که تأکید بیش از حد بر جذابیت مدنی هیئت منصفه ممکن است ما را از ویژگی های ساختاری و اداری امور قضایی در آمریکا (مانند اقرار مصلحتی به جرم) دور کند. به هر جهت، هرکس مایل باشد بداند قضاوت در ایالات متحده چگونه است، باید با هیئت منصفه رو به رو شود و از نقش آن در دادگاه

ها و زندگی مردم آمریکا - چه آن هایی که متهم به جرم هستند و چه آن هایی که برای تصمیم گیری درمورد سرنوشت دیگران خوانده می شوند - قدردانی کند.

من تاریخ نگار هستم و در یک دانشگاه آمریکایی تدریس می کنم. کار حرفه ای من با تاریخ علم و فن آوری در قرن های هفدهم تا بیستم سر و کار دارد، و تجربهٔ رسمی قضایی ندارم. با این حال، حدود 10 سال پیش کتاب کوچکی دربارهٔ تجربهٔ خدمت به عنوان رییس هیئت منصفه در یک دادرسی جنایی در مَنهَتن نوشتم. این کتاب، محاکمه ای با حضور هیئت منصفه، به خاطر توصیف مبارزات هیئت منصفه در یک پروندهٔ پیچیده برای رسیدن به تصمیم واحد، بسیار مورد توجه قرار گرفت، و هنوزبرای اطلاع از کارهایی که هیئت منصفه می کند (و کار هایی که نمی کند!) سیاست گذاران آن را می خوانند و در دانشکده های حقوق مورد مطالعه قرار می گیرد. هدف من از آنچه به طور خلاصه در زیر می آید، اشارهٔ کوتاه به مطالبی است که به طور مفصل در کتاب شرح داده می شود، و همین طور تأملات اندکی دربارهٔ آنچه من از تجربهٔ شرکت در هیئت منصفه آموختم.

قتل فجیع

وقتی افراد پلیس با شکستن در یک آپارتمان کوچک واقع در محلهٔ پایین مَنهَتن در تابستان سال 1998 وارد آن شدند، راندولف کافی را در گوشه ای از اتاق، زیر پنجره، افتاده بر روی صورت یافتند. او مرده بود: بیشتر از 20 ضربهٔ چاقو قسمت بالای پشت، گردن، و زیر جمجمه اش را پاره کرده بود. این ها ضربه های بدی بودند اما ضربهٔ مهلک به جای دیگری خورده بود که دیده نمی شد: یک تک ضربهٔ چاقو در سینه، که آئورت او را هدف قرار داده بود؛ او بعد از وارد شدن چنین جراحتی، تنها چند دقیقه می توانست زنده مانده باشد.

وقتی دو سال بعد خود را روی صندلی هیئت منصفه و دردادگاه مَنهَتن نشسته یافتم و به عکس های جسد که دادستان داده بود نگاه می کردم، پلیس مرد جوانی را که دست به چاقو برده بود، نیز یافته بود: مانتی میلکری ، که روی نیمکت، کنار وکیل خود نشسته و به رو به رو خیره شده بود. میلکری ادعا می کرد یک روز که در یکی از خیابان های نیویورک قدم می زده با زن جوان زیبایی ملاقات می کند که سر صحبت را با او باز کرده و شمارهٔ تلفن خود را به او می دهد که شاید بعدا یک دیگر را ببینند. او تعارف زن را پذیرفته و یک شب به او زنگ می زند و آدرس او در گرینویچ ویلج را می گیرد. و قتی به آن جا می رسد، زن او را به اتاق کوچک و نیمه تاریکی راهنمایی می کند و روی کاناپه به تماشای برنامهٔ تلویزیونی وسوسه کننده ای می نشینند.

تنها زمانی که لباس های خود را از تن بیرون می آورند، مانتی متوجه می شود که او زن نیست، بلکه یک مرد است – مردی که میان او و در ورودی ایستاد. به گفتهٔ مانتی، اتفاق بعدی تجاوز جنسی مردی به مردی دیگر بود. در میانهٔ کشمکش، میلکری چاقوی جیبی کوچکی از جیب شلوارش بیرون می آورد و به او حمله می کند، اول به سینه اش، و بعد وقتی او ناخواسته در آغوشش می افتد، چند ضربه هم به پشت او می زند. وقتی ”راندولف کافی“ به زمین می افتد، میلکری خود را به سوی درپرتاب کرده و فرار می کند.

این موضوع به هر حال یکی از داستان هایی بود که او بیان کرد. او داستان های متعددی گفته بود.

در آغاز، او با سر و روی خونی (هنگام وارد کردن ضربات چاقو، انگشت کوچکش تقریبا قطع شده بود) به خیابان های شلوغ شهر گریخته بود، از رهگذران کمک خواسته و راه بیمارستان را پیدا کرده بود، و در آن جا ادعا کرده بود که مورد حملهٔ گروهی از مردان سفید پوست واقع شده و او را کتک زده اند (میلکری

خدمت هیئت منصفه در امریکا

تعداد تخمینی افرادی که سالانه در امریکا برای خدمت هیأت منصفه به دادگاه فرا خوانده می شوند : 32 میلیون

- تعداد تخمینی احضاریه هایی که پست با علامت غیر قابل تحویل بازمی گرداند : 4 میلیون
- تعداد تخمینی افرادی که برای خدمت واجد صلاحیت شناخته نمی شوند (غیر شهروندان ، غیر ساکنان ، محکومان به ارتکاب جرم) : 3 میلیون
- تعداد تخمینی افرادی که از خدمت معاف می شوند (افرادی که بتازگی درهیأت منصفه خدمت کرده اند ،افرادی با مشاغل خاص) : 2 میلیون
- تعداد تخمینی افرادی که به دلیل مشکلات مالی یا پزشکی معاف می شوند : 3 میلیون
- تعداد تخمینی افرادی که پیش از موعد گزارش به دلیل لغو دادگاه ها یا موکول شدن آن به تاریخ دیگر از سوی دادگاه ها مورد اغماض قرار می گیرند : 8 میلیون
- تعداد تخمینی افرادی که پس از فراخوانی بسادگیً موفق به حضور نمی شوند : 3 میلیون
- تعداد تخمینی افرادی که سالانه برای خدمت هیأت منصفه گزارش تهیه می کنند : 8 میلیون
- تعداد تخمینی اعضای هیأت منصفه که سالانه انتخاب می شوند : 5/1 میلیون

منبع : نظر سنجی زیر عنوان ”وضعیت ایالات“ در بارهٔ کوششهای مربوط به بهبود کار هیئت منصفه (آوریل 2007) ، مرکز ملی دادگاه های ایالتی

و کافی هر دو سیاه پوست بودند). بعدها که پلیس او را به عنوان مظنون به قتل "کافی" در بیمارستان بازداشت کرد، او قتل را پذیرفت و در اعتراف هایش این داستان تخیلی در بارهٔ فریب خوردن و هویت اشتباهی مقتول را از خود ساخت. (پیدا کردن میلکری کار خوب پلیس بود: کارآگاه ها همیشه برای یافتن افرادی که زخم روی دست های خود دارند به بیمارستان های محلی سر می زنند زیرا بعد از وارد آوردن ضربات متعدد چاقو به کسی، اتفاق می افتد که دست قاتل هم زخمی شود.) وقتی میلکری برای دفاع از خود، در جایگاه مخصوص دادگاه قرار گرفت، دوباره داستانش را تغییر داد، و ادعا کرد که اول بار در یک سیستم گفتگوی تلفنی با او آشنا شده، اما بخش مربوط به این که فکر می کرده او زن است و این که قصد تجاوز جنسی داشته را تغییر نداد.

احضار برای خدمت در هیئت منصفه

چه گونه شد که من در گیر تمام این ناخوشی ها شدم؟ راستش این که من به عنوان یک شهروند نمونه، برای رأی دادن ثبت نام کرده بودم. تغییر جهت چرخ کاغذ بازی اداری، همه اش از همین جا شروع شد. آن روز ها من و همسرم در پی اجاره دادن منزل یکی از دوستانمان به شخص ثالثی بودیم، تازه درس هایمان تمام شده بود و داشتیم وارد زندگی کاری می شدیم: همسرم مسئول تشکل های سیاسی مردمی بود، و من به امید یافتن کار شغل تدریس، سعی می کردم رسالهٔ دکترای خود را به کتاب تبدیل کنم.

هر دوی ما خیلی ?رفتار بودیم، برای همین وقتی نامهٔ معرفی خود به عنوان انجام وظیفهٔ در هیئت منصفهٔ دادگاهی واقع در جنوب همان جایی که زندگی می کردیم را دریافت کردم، برایم خیلی آزار دهنده بود. غرهایم را زدم، اما رفتم و در محیط وسیعی که محل انتظار بود، نشستم؛ یک روز طول کشید تا اسامی از درون یک چرخ بخت آزمایی بیرون آمد و مردم میان سالن های مختلف دادگاه تقسیم شدند.

وقتی اسم نوبت من شد، فکر می کردم احتمال انتخاب شدن من به عنوان عضو هیئت منصفه خیلی کم است زیرا باید فرایندی را می گذراندیم به نام voir dire که در آن، وکلای مدافع و قاضی بر طبق سؤال هایی که از افراد فراخوانده شده می کنند، تصمیم می گیرند برای انجام وظیفه جهت پروندهٔ حقوقی مناسب هستند یا نه. راه های مختلفی وجود دارد که بتوان از دست این فرایند خلاص شد (مثلا اگر بگویید که نژادپرست هستید یا می ترسید، و یا در مورد پرونده جهت گیری مشخصی داشته باشید)، و من می دانستم که بالاخره به نحوی نامناسب تشخیص داده می شوم.

اما نه. با این که به بسیاری از پرسش ها با نظر خاصی جواب داده بودم (به طور مثال، گفته بودم که به مجازات اعدام اعتراض دارم و مطمئن نبودم بتوانم متهمی را به اعدام شدن در ایالات محکوم کنم)، مرا برای انجام وظیفه انتخاب کردند، و ریاست هیئت 12 نفرهٔ منصفه که متشکل از آمریکایی های بسیار متفاوتی بود، به عهدهٔ من گذاشته شد: چهار مرد، هشت زن؛ نه سفیدپوست و دو سیاه پوست، و یک اسپانیایی زبان؛ حدود نیمی از آنان زیر سی سال داشتند؛ حدود نیمی هم به نوعی حرفه ای بودند. در سه هفتهٔ پس از آن، با یک دیگر بسیار خوب آشنا شدیم.

ممکن نیست بتوانم تمامی پیچ و خم های شواهدی که شنیدیم را بازگو کنم، یا شور و حرارت آن چهار روزی که برای مشورت در مورد تصمیم مان با هم گذراندیم را در این جا بیاورم. در پرونده های جدی مانند پرونده ای که ما در دست داشتیم، عجیب نیست که اعضای هیئت منصفه در حین کار برای رسیدن به اجماع نظر، تحت نظر نگهداری شوند – به همین خاطر ما در طول 66 ساعت تصمیم گیری نهایی، اجازه نداشتیم به خانه بازگردیم و نمی توانستیم با افراد خانوادهٔ خود صحبت کنیم. مأموران مسلح دادگاه ما را برای رفتن به غذاخوری همراهی می کردند و شب را در هتل می گذراندیم که در آن جا هم مأموران مراقبتی حضور داشتند.

تمام این رویداد، خیلی بیشتر از یک درس عبرت مدنی بود؛ این برخوردی گیج کننده با قدرت ایالت و این موضوعی ناخوشایند بود. ما در این آزمون سخت، پشت درهای بستهٔ اتاق هیئت منصفه، مشغول کشمکش برای شناخت مسئولیت هایمان بودیم و می خواستیم از انبوهی شواهد متناقض و پیچیده به نتیجه برسیم. هم اشک ریختیم، و هم با هم جنگیدیم، لحظات حزن انگیز سکوت را سپری کردیم، همین طور صحبت هایی دربارهٔ خدا و همجنس خواهان و حقیقت و عدالت. مشورتی دموکراتیک بود که در سطح آدم های بسیار سر به راه انجام می شد.

حکم دادگاه

مهم تر از همه، ما تلاش می کردیم بفهمیم این که ایالت باید این پرونده را "با اثبات قطعی" به پایان برد، به چه معنا است. این استاندارد بسیار بالایی است. و هنگامی که یک متهم ادعا می کند که در دفاع از خود اقدام کرده، مشکل اثبات آن به عهدهٔ ایالت باقی می ماند، و باید به صورت قطعی اثبات کند که متهم چنین کاری نکرده است. دو مرد وارد اتاقی می شوند و یکی از آن دو بیرون می آید و ادعا می کند که از خود دفاع کرده است. شاهدی وجود ندارد. مدرکی هم دال برارتکاب جرم خشونت آمیزی از سوی طرفین نیست. چه کسی می تواند "قطعا" بگوید که شخصی که زنده مانده دروغ می گوید؟

ما نتوانستیم. و درپایان، او را تبرئه کردیم.

ما از تصمیم خود راضی نبودیم. از متهم خوشمان نمی آمد. فکر کردیم احتمالا در مورد کل این قضیه دروغ می گوید. و فکر کردیم احتمالا "کافی" را به قتل رسانده و او می توانسته حتا معشوقه اش باشد. اما این را نیز می دانستیم که از ما خواسته نشده بود تا بگوییم به نظر ما چه چیزی ممکن یا محتمل است. از ما خواسته شده بود درمورد آن چه قطعا به اثبات رسیده تصمیم گیری کنیم.

آیا در دادگاهِ ما عدالت جاری شده بود؟ صادقانه بگویم، من در این مورد مطمئن نیستم. آیا ما آن گونه که یادگرفته بودیم، قانون را به اجرا درآوردیم؟ معتقد هستم که این کار را کردیم. وقتی از اتاق هیئت منصفه بیرون می آمدیم، به یک دیگر یادآوری می کردیم که حکمِ "گناهکار نیست" به معنای بی گناه بودن نیست.

خدمت هیئت منصفه در امریکا

متوسط طول مدت دادگاه هیئت منصفه : 5 روز برای دادگاه های جنایی ، 4 روز برای دادگاه های اجتماعی / مدنی
متوسط طول مدت بررسی های هیئت منصفه : چهار ساعت برای دادگاه های جنایی و اجتماعی

منبع : نظر سنجی زیر عنوان ”وضعیت ایالات“ در بارهٔ کوششهای مربوط به بهبود کار هیئت منصفه (آوریل 2007) ، مرکز ملی دادگاه های ایالتی

چرا بار اثبات تا این حد سنگین است؟ ما چیزهای زیادی در طول خدمت خود به عنوان عضو هیئت منصفه آموختیم، زیرا به از دست دادن آزدای خود در آن چهار روز طولانی هنگامی که تحت مراقبت بودیم، نگاه می کردیم، و همین طور به سایهٔ قدرت رعب آور ایالت – که علیه آن، نهایتا هر شهروندی در دفاع از خود، امیدش به شهروندان دیگر است. این، عمیق ترین درسی بود که از خدمتم به عنوان عضو هیئت منصفه گرفتم. و درسی است که هرگز فراموش نخواهم کرد.

مردم گاهی از من سؤال می کنند که آیا نظام هیئت منصفه خوب کار می کند یا نه. من این سؤال را با بازگو کردن سخن طنز معروف وینستون چرچیل دربارهٔ دموکراسی جواب می دهم که می گوید: اگر آن را با دیگر شیوه های حکومتی مقایسه نکنیم، بدترین شکل حکومت است. برای درست کردن جامعه، باید یک دیگر را به خاطر جرم هایی که مرتکب می شویم، مجازات کنیم. چه کسی باید آن تصمیم سرنوشت ساز را بگیرد؟ جواب این سؤال در ایالات متحده، ”یک هیئت منصفهٔ هم طراز“ است. مسلما همیشه خوب از آب درنمی آید، اما آیا راه حل های دیگر بهتر هستند؟ مطمئنید؟

فرهنگ اصطلاحات دادرسی هیئت منصفه

Appeal - (اسم) استیناف: تجدید نظر در حکم یا قضاوت یك دادگاه پائین تر توسط دادگاه بالاتر.

Arraignment- (اسم) احضار به دادگاه: رویهای که از طریق آن مدعی علیه به دادگاه احضار میشود تا رسماً تفهیم اتهام شود و اظهار کند گناهکار است یا گناهکار نیست. به Presentment (ادعانامه) نیز مراجعه کنید.

Arrest- (اسم) بازداشت: حبس قانونی فرد، چه بر اساس سند و مدرك و چه بر پایه یک علت احتمالی. فرد بازداشتی، فردی است که بازداشت شده است.

Bail- (اسم) آزادی با قرار وثیقه: واگذاری پول نقد یا دارائی به دادگاه به منظور به دست آوردن آزادی موقت مدعی علیه و تضمین حضور وی در دادگاه در موعد آتی. در آمریکا، وثیقهٔ جرائم کوچك برخی اوقات بر اساس حداکثر جریمهٔ آن جرم تعیین میشود و این به مدعی علیه اجازه میدهد تا به جای دادرسی های بعدی وثیقه را "پرداخت کند و هیچگاه پس نگیرد." (فعل) به دست آوردن آزادی مدعی علیه بوسیلهٔ پرداختن پول یا دارائی (او برادرش را با قرار وثیقه آزاد کرد).

Charge- (اسم) اتهام: (فعل) متهم کردن فردی به انجام یك جرم.

Civil trial- (اسم) دادگاه مدنی: دادگاهی بر اساس قوانین مدنی که به روابط بین شهروندان خصوصی با یکدیگر، بین یك شهروند خصوصی و یک شرکت، یا بین یك شرکت با یک شرکت دیگر مربوط میشود.

Collateral attack- (اسم) حملات جنبی با گفتار و نگارش: به چالش کشیدن قانونی بودن یا مشروعیت حبس فرد، مانند دادخواست برای قرار احضار زندانی. این چالش می تواند دلایلی را برای اشتباهات دادگاه یا محکومیت غیرقانونی اقامه نماید.

Complaint- (اسم) دادخواست: اتهام رسمی به یك جرم که از سوی پلیس اقامه میشود و در اولین حضور مدعی علیه به دادگاه ارائه میگردد.

Conviction- (اسم) محکومیت: در یك مورد کیفری، قضاوتی دال بر ارتکاب مدعی علیه به یك جرم.

Criminal trial- (اسم) دادرسی کیفری: دادرسی بر اساس قوانین کیفری که به جرائم علیه کشور مربوط میشود، یعنی جرائمی که ممکن است بطور مستقیم علیه یك فرد خاص باشد اما فرض بر این است که به کل جامعه صدمه میزند؛ مانند سرقت مسلحانه یا تجاوز به عنف.

Defendant- (اسم) مدعی علیه: فردی متهم به ارتکاب جرم که به دادگاه احضار میشود.

Defense counsel- (اسم): وکیل مدافع: حقوقدانی که به نمایندگی از طرف فرد متهم در یك رویهٔ کیفری محلی، ایالتی یا فدرال از وی دفاع میکند. در بخشی از اصلاحیهٔ ششم قانون اساسی آمریکا (به ذیل نگاه کنید) آمده است که "در تمامی دادرسی های کیفری، متهم حق داشتن وکیل برای دفاع از خود را دارد."

Discovery- (اسم) کشف دلیل: فرآیندی که از طریق آن وکلا، در جهت آمادگی برای دادرسی، دربارهٔ دعوی طرف مقابل اطلاعات کسب می کنند؛ ازجمله درخواست مدارك و اسناد و بیانات شفاهی.

Evidence- (اسم) دلیل و مدرك: هر چیز به دست آمدهای (مجاز) در رویه قانونی که حقیقت مورد بحث را تأئید یا رد میکند. مدرك می تواند شئ باشد، مانند اسلحه یا لباس خون آلود، یا غیر شئ باشد، مانند شهادت شاهد.

Grand jury- (اسم) هیئت منصفهٔ عالی: گروهی از افراد که در مدت زمانی مشخص در دادگاه حضور دارند و شواهد دادستان را به منظور تعیین اینکه آیا جرائمی رخ داده است یا نه، استماع میکنند. هیئت منصفه ممکن است دعوی های زیادی را در این مدت زمان استماع نماید. اگر پس از استماع سخنان شهود و بررسی شواهد دادستانی، اکثریت اعضای هیأت منصفه تصمیم بگیرد که جرمی واقع شده است و احتمالاً فرد مشخص و معینی آن را مرتکب شده است، "کیفرخواست واقعی" را مبنی بر اتهام مظنون به ارتکاب جرم، صادر میکند.

Habeas corpus - (اسم) احضار برای بررسی و تحقیق مجدد: رویه قانونی کهن (قرار احضار برای بررسی و تحقیق مجدد) با هدف احضار زندانی به دادگاه، معمولاً برای به چالش کشیدن اعتبار بازداشت فرد از لحاظ قانونی. این رویه به حدود سال 1215 در انگلستان باز می گردد و در قانون اساسی آمریکا آمده است. به Collateral attack نیز مراجعه کنید.

Hearing- (اسم) استماع دادرسی: رویهای قضائی که در طی آن، دادگاه شواهدی را دربارهٔ موضوعی خاص دریافت یا استدلال هایی را دربارهٔ مسألهای قانونی استماع میکند. استماع دادرسی ها

ممکن است قبل، در هنگام یا بعد از محاکمه یا استیناف برگزار شوند.

Indictment - (اسم) کیفرخواست: سندی رسمی بیانگر تشخیص هیئت منصفهٔ عالی مبنی بر اتهام فرد یا افرادی به ارتکاب جرم (کیفرخواست واقعی).

Jury: (اسم) هیئت منصفه- گروهی از شهروندان، معمولاً بین 6 تا 12 نفر، که در طی دادرسی به استماع شواهد میپردازند و رأی خود را (مبنی بر "گناهکار" یا "بی گناه" بودن) صادر میکنند. یك یا چند عضو هیأت منصفه ممکن است در مواردی که عضوی از این هیأت در طی دادرسی از کار افتاده شود و نتواند وظایفش را ایفا نماید، انتخاب شوند.

Motion- (اسم) درخواست: در خواستی مبنی بر اینکه دادگاه در مورد دعوی خاصی تصمیم گیری نماید؛ از قبیل اینکه آیا مدارك خاصی شامل اقرار به جرم در جریان دادرسی قابل پذیرش خواهد بود یا اینکه آیا به دلیل اشتباهات انجام شده، جلسهٔ دادرسی جدیدی اجرا شود. درخواستها برای خدمات خاص، مانند تعیین شهود متخصص یا مترجم ها، معمولاً بر طبق درخواست وکیل، شفاهی یا کتبی، انجام میشود. درخواستها میتوانند قبل، در هنگام یا بعد از دادرسی و یا در طی استیناف انجام شوند.

Motion for judgment of acquittal- (اسم) تقاضا برای اصدار حکم تبرئه: درخواستی از سوی وکیل مدافع مبنی بر اینکه قاضی حکم بی گناهی مدعی علیه را بنابر ناتوانی دادستان در ارائه شواهد بدون شك و شبهه دربارهٔ گناهکار بودن وی صادر نماید. این تقاضا معمولاً در مرحلهٔ نخستین دادرسی انجام میشود و اگر از سوی دادگاه رد شود در پایان رد دعوی دادستانی تجدید میگردد.

Plea- (اسم) دفاع: در رویه کیفری آمریکا، مدعی علیه معمولاً دفاعیهٔ "گناهکار نبودن" خود را در اولین حضورش در دادگاه یا نزد مأمور قضایی اقامه میکند. پس از آن، اگر دلایل قانع کنندهای وجود داشته باشد، مدعی علیه اظهارات خود را مبنی بر "گناهکار بودن" تغییر میدهد که به واسطهٔ آن، وی اتهامات وارد شده علیهخود را میپذیرد یا ممکن است بر حق خود برای دادرسی دفاع نماید و از دادگاه بخواهد که گناهش را، غالباً در جلسهٔ دادرسی بوسیلهٔ هیئت منصفه مشخص نماید. در موارد خاصی، مدعی علیه از طریق وکیل خود ممکن است ادعای "بی گناهی به دلیل جنون" بکند که در این صورت انتظار میرود وکیل مدافع ثابت کند که به سبب نقص یا ناتوانی ذهنی مدعی علیه، نباید او را از نظر کیفری مسئول اعمالش دانست. (فعل) اقامه دفاع کردن.

Plea bargain - (اسم) توافق حل و فصل دعوی بین مدعی علیه و دادستان با تأیید دادگاه: توافقی بین مدعی علیه و دادستان که به واسطهٔ آن مدعی علیه قبول میکند که به گناهکار بودن اعتراف کند و در عوض تخفیف هایی را، از قبیل اتهام کمتر یا محکومیت سبکتر دریافت کند.

خدمت هیئت منصفه در امریکا

برای این که کسی به منظور خدمت هیأت منصفه در اغلب دادگاههای ایالتی و فدرال واجد شرایط تشخیص داده شود ، باید شهروند امریکا و ساکن محدوده جغرافیایی حوزه قضایی دادگاه ، دارای حداقل 18 سال سن ، قادر به درک زبان انگلیسی و تکلم به این زبان و فاقد سوء پیشینه حقوقی (محکومیت جنایی ، عدم صلاحیت).باشد.

منبع : سازمان دادگاه ایالتی ، 2004 ، وزارت دادگستری امریکا ، اداره آمار قضایی.

Preliminary hearing- (اسم) دادرسی مقدماتی: دادرسی کیفری قبل از اینکه مأمور قضایی تعیین کند که شواهد و مدارك کافی برای محکومیت دستگیرشده وجود دارد و یا اینکه پرونده را به منظور کیفرخواست احتمالی به هیئت منصفهٔ عالی ارجاع دهد.

Presentence investigation- (اسم) بررسی قبل از محکومیت: بررسی مفصل سوابق فرد مجرم که معمولاً بوسیلهٔ یکی از کارمندان دادگاه، با عنوان مأمور بررسی مسأله، انجام میشود تا به قاضیای که مدعی علیه را محکوم خواهد کرد کمك نماید. مطلوب است که این گزارش یك تحلیل عینی از مدعی علیه و جرم او باشد و تمامی وقایعی را که به سنگین یا سبك تر شدن محکومیت کمك می کند در برداشته باشد.

Presentment- (اسم) ادعانامه: حضور اولیهٔ مدعی علیه در پیش مأمور قضایی که اتهامات خوانده میشوند و امکان آزادی با قرار وثیقه تعیین میشود. این ادعانامه در صورتیکه مدعی علیه قبل از کیفرخواست بوسیلهٔ هیأت منصفهٔ عالی دستگیر شده باشد قبل از محاکمهٔ رسمی ارائه میشود.

Probable cause- (اسم) علت احتمالی: اعتقادی مستدل مبنی بر اینکه جرمی واقع شده، در حال وقوع است و یا واقع خواهد شد، که برای توجیه دستگیری یك فرد، انجام کاوش یا توقیف دارایی، کافی باشد. این اعتقاد غالباً چیزی بیشتر از سوءظن محض دانسته میشود.

Prosecutor- (اسم) دادستان: حقوقدانی که به نمایندگی از سوی دولت (دولت محلی، ایالتی یا فدرال) در دادرسیهای کیفری فعالیت میکند.

Prosecutor's case-in-chief- (اسم) دعوی اصلی دادستان: در دادگاه های آمریکا، دادستان همیشه در وهلهٔ اول دعوی دولت را بیان میکند و شواهد و مدارك باید به اندازه کافی قوی باشند تا اگر از سوی مدعی علیه تکذیب نشدند، بتوانند ادامه محاکمه را توجیه نمایند. اگر مدارك و شواهد ضعیف باشند، مدعی علیه ممکن است در پایان دعوی اصلی دادستان تبرئه شود. به تقاضا برای اصدار حکم تبرئه، و رد دعوی دادستان نیز مراجعه کنید.

Prosecutor's rebuttal case- (اسم) رد دعوی دادستان: به سبب آنکه دولت بار سنگین فائق آمدن بر بیگناهی مفروض مدعی علیه را بر دوش دارد، دولت حق دارد که شواهد و مدارك اضافیای را پس از آنکه مدعی علیه دفاعیات خود را بیان کرد، ارائه نماید. اما اگر مدعی علیه شواهد و مدارك خود را ارائه نکرد، دولت حق ندارد رد دعوی را ارائه نماید، زیرا هیچ مدرك اضافیای برای رد دعوی وجود نخواهد داشت.

Right to counsel- (اسم) حقِ داشتن وکیل: اصلاحیهٔ ششم قانون اساسی آمریکا تضمین میکند که هر فردی که متهم به ارتکاب جرمی شده است حق دارد که وکیلی برای کمك به وی در دفاع از خود داشته باشد. در صورت داشتن توان مالی، مدعی علیه به انتخاب خود وکیلی را استخدام میکند اما اگر وی توان مالی برای به کار گماردن وکیل نداشته باشد، دادگاه از سوی دفتر عمومی وکیل مدافعان یا از وکلای خصوصی به منظور دفاع از وی وکیلی را انتخاب میکند.

Search warrant- (اسم) حکم تفتیش. به حکم مراجعه کنید.

Sentence- (اسم) محکومیت: تنبیهی، مانند جریمه یا حبس، که بعد از صدور رأی برای مدعی علیه در نظر گرفته میشود. 35 ایالت آمریکا و دولت فدرال میتوانند حکم مرگ را برای انواع خاص قتل های شنیع یا اعمال خیانت به وطن صادر کنند.

Sixth Amendment- (اسم) اصلاحیهٔ ششم: مادهای از قانون اساسی آمریکا که بسیاری از حقوقی را که به افراد متهم به ارتکاب جرم در دادگاههای آمریکا داده شده است بر می شمرد تا از آنها محافظت نماید و دادرسی منصفانه را تضمین نماید. بر اساس این اصلاحیه:

" در کلیه دادرسی های کیفری، متهم از حقوق ذیل برخوردار خواهد بود: حق محاکمه سریع و علنی توسط هیأت منصفه بیطرف ایالت و منطقهای که جرم در آن رخ داده است ...و حق آگاهی از ماهیت و دلیل اتهام؛ حق مواجهه با شهودی که علیه او شهادت میدهند؛ حق احضار شهود به نفع خود و حق داشتن وکیل برای دفاع از خود. (توجه: قانون اساسی آمریکا تا سال 1789 از سوی اکثریت 13 ایالت اصلی به تصویب رسید. 10 اصلاحیهٔ اول قانون اساسی آمریکا، که به اعلامیه حقوق نیز معروفند، در سال 1791 تصویب شدند.)

Subpoena- (اسم) احضاریه: مدرك (یا حکمی) که فرد را ملزم به دادن شهادت یا تسلیم اسناد و مدارك به دادگاه یا هیأت منصفهٔ عالی میکند.

Testimony- (اسم) شهادتی که از سوی شاهد همراه با سوگند در دادگاه داده میشود.

Trial- (اسم) دادرسی: روند قضایی رسمی برای دریافت مدارك و شواهد و صدور حکم، از قبیل تعیین اینکه مدعی علیه گناهکار یا بی گناه است. "حقیقت یاب" در دادرسی ممکن است یك قاضی و یك هیأت منصفه، و یا فقط یك قاضی باشد.

Verdict- (اسم) رأی/حُکم: تصمیم "حقیقت یاب" (هیأت منصفه یا قاضی) در مرحلهٔ نتیجهگیری دادرسی؛ در دادرسی کیفری، رأی بر "گناهکار بودن" یا "بی گناه بودن" خواهد بود. اگر هیأت منصفه نتواند دربارهٔ رأی نهایی به توافق برسد (هیأت منصفهٔ معلق)، ممکن است جلسهٔ دادرسی جدیدی اعلام گردد یا دادستان ممکن است به صلاحدید خود فرد را از تمامی اتهامات تبرئه نماید.

Warrant- (اسم) حُکم: دستور حکمی که از سوی دادگاه یا مأمور قضایی صادر میشود و اجازهٔ تفتیش یا توقیف دارائی (حکم تفتیش) یا توقیف فرد (حکم دستگیری) را میدهد.

Witness- (اسم) شاهد: فردی که با سوگند و با داشتن آگاهی واقعی دربارهٔ مسألهٔ مورد بررسی در دادگاه شهادت میدهد. شهود ممکن است از سوی دادستان یا وکیل مدافع و یا هردو فراخوانده شوند و مورد پرسش قرار بگیرند . زمانی که شاهد شهادت مستقیم خود را تمام کرد، به طرف مقابل دعوی این فرصت داده میشود که شاهد را مورد پرسش هایی قرار دهد که ممکن است حقایق دیگری را روشن سازد یا به نحوی دیگر شهادت شاهد را تضعیف نماید، و او را مورد بازجوئی قرار دهد.

Writ- (اسم) دستور: فرمان دادگاه مبنی بر الزام انجام یا عدم انجام عملی.

این فهرست توسط جك کینگ، مدیر روابط و امور عمومی، انجمن ملی وکلای مدافع کیفری، واشنگتن دی سی تهیه شده است.

TYPICAL FEDERAL CRIMINAL PROSECUTION

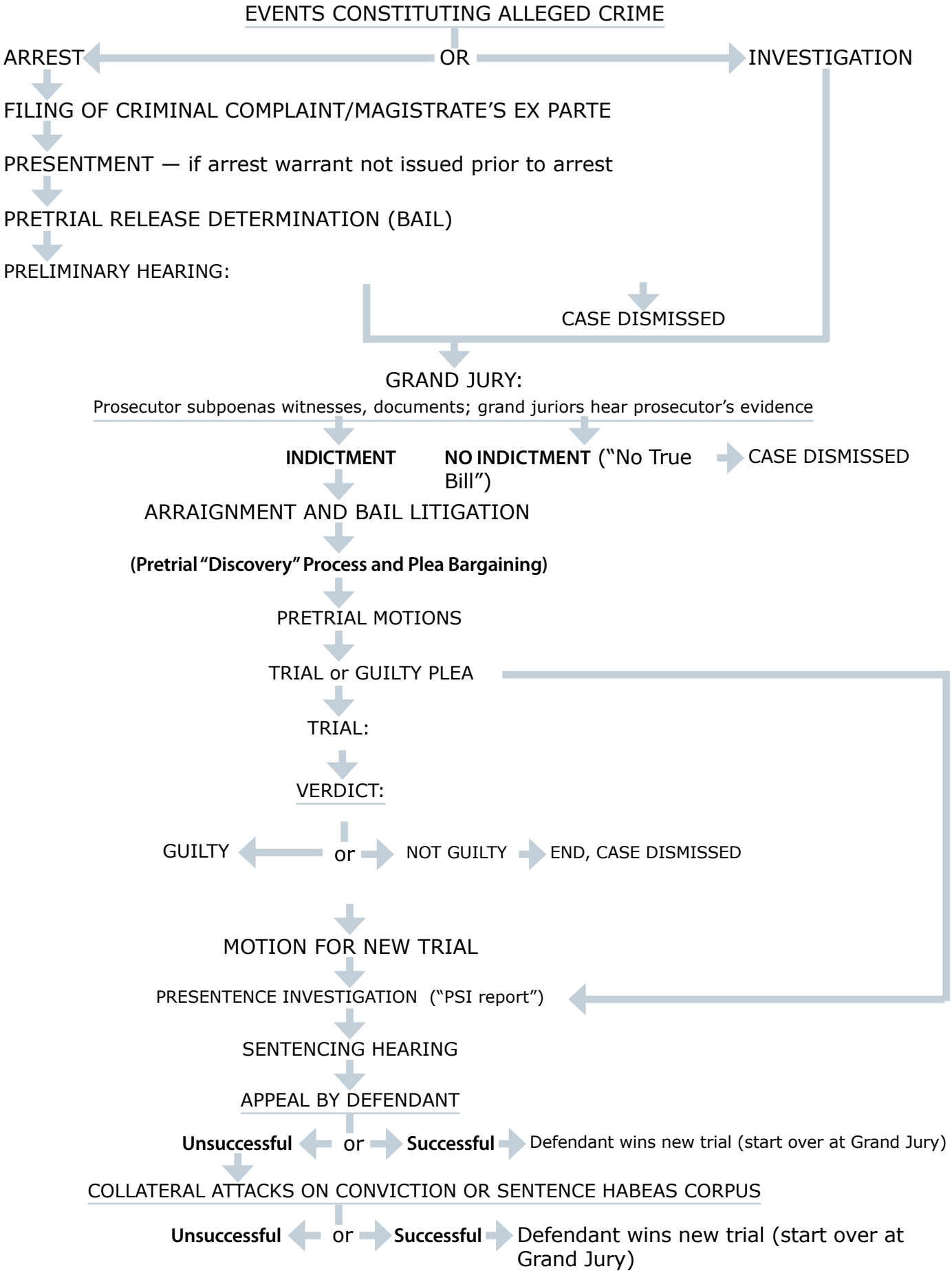

Provided by Jack King, Director of Public Affairs and Communications, National Association of Criminal Defense Lawyers, Washington, D.C.

نقش قاضی

ریکاردو ام. اوربینا

© AP Images/Bill Robles

قاضی باید اطمینان حاصل کند که هیئت منصفه از نقش خود در جایگاه قضات آگاه هستند و این که برای اجرای عدالت سوگند یاد کرده اند. ریکاردو ام اوربینا قاضی دادگاه بخش آمریکا در بخش کلمبیای واشنگتن است. این مقاله در نسخه ژوئیه *2009* ژورنال الکترونیکی آمریکا. با نام ''کالبد شکافی یک محاکمه'' در حضور هیئت منصفه آورده شده است.

زمانی که قاضی پرونده ای را برای محاکمه در حضور هیئت منصفه تعیین می کند، هدف او سازماندهی، تسهیل، و نظارت بر روندی است که نتیجه ای را بر اساس ارزیابی عادلانه و بی طرفانه شواهد پرونده ارائه می دهد. وکیل نماینده هر یک از طرفین نقش مکملی را در انتخاب اعضای هیئت منصفه که عملکرد بی طرفانه و بدون تعصبی را در انجام وظیفه خود دارند بر عهده دارد. هرچند، این قاضی است، که مسئول تضمین درستی اقامه دعوا با کسب اطمینان از عملکرد مناسب وکلا در حیطه عملیاتی آنان است.

قاضی در مواردی پیش ازمحاکمه یا در جریان آن حکم صادرمی کند که به هیئت منصفه امکان و یا عدم امکان بررسی شواهد ارائه شده توسط وکلا را می دهد. در این زمینه، قاضی به اعضای هیئت منصفه در آغاز محاکمه، طی آن، و در انتهای آن دستورالعمل هایی را برای راهنمایی آنان در پروسه بررسی منصفانه شهادت، اسناد، و دیگر شواهد موجود در پرونده ارائه می دهد. قاضی، با هشدارهای خود، هیئت منصفه را تشویق به بررسی بی طرفانه موارد در مدت زمانی که در انتظار تکمیل محاکمه هستند می کند.

من در آغاز محاکمه به هیئت منصفه می گویم که آزادی که ما معمولاً برای نتیجه گیری سریع در زندگی روزمره داریم، در مورد این محاکمه، موقتا کنار گذاشته شده است. به جای آن، هیئت منصفه باید خود را ''نماینده قضاتی'' در نظر بگیرند که همانند من، برای اجرای عدالت سوگند یاد کرده اند. این تصویر متعالی از خود به هیئت منصفه در درک اهمیت خطیر کار آنها کمک می کند.

در طول بیش از 28 سال خدمت به عنوان قاضی، من اعتماد زیادی در قدرت تمیز هیئت منصفه پیدا کرده ام. هیئت منصفه

تقریبا همواره حکمی را صادر می کند که من با آن توافق دارم. من یاد گرفته ام که اعضای هیئت منصفه، بدون در نظر گرفتن بی میلی آنها برای شرکت در این پروسه در ابتدای انتخاب انها، در کار ارزیابی بی طرفانه شواهد عمیقا درگیر شوند و وجود خود را صرف آن کنند.

به طور مثال، در موراد جنایی، هیئت منصفه باید به اصل ”متهم بی گناه است مگر آنکه بدون هیچ تردیدی گناهش اثبات شود“ ، وفادار بماند. به علاوه، همان گونه که در قوانین، قانون اساسی آمریکا، و دستورالعمل قضات آورده شده است، مسئولیت اثبات گناه منحصرا برعهده دولت است. آنها می دانند که متهم هیچ گاه نباید بی گناهی خود را اثبات کند. هیئت های منصفه پیشین موافق صحبت برای وکلایی شده اند که واحد دانشگاهی را که من در زمینه هیئت منصفه در آمریکا تدریس می کنم می گذرانند. اغلب این اعضای هیئت منصفه به کلاس توضیح می دهند که فکر می کردند فرد متهم مرتکب گناه شده است، اما با این وجود، رای به برائت او داده اند زیرا شواهد دولت برای اثبات بدون تردید وقایع کافی نبود.

بی طرف بودن

عمل خنثی باقی ماندن تا زمانی که ارائه شواهد به صورت کامل انجام گیرد اغلب برای قضات نیز کار سختی است. در مورد یکی از پرونده های من چند سال پیش، دولت مردی را به چندین فقره اعمال ناپسند با تعدادی از پسران زیر 14 سال محکوم کرد. این اتهامات بسیارحساس و برجسته بودند زیرا متهم به ویروس HIV مبتلا بوده و در هنگام رابطه جنسی با این پسران از کاندوم استفاده نکرده بود.

در جلسه پیش از محاکمه، من اعلام کردم که برخی از شواهد جنایی به دلیل آن که پلیس حقوق اساسی متهم را در طول مراحل منجر به دستگیری متهم نقض کرده بود قابل استفاده نمی باشند. صدور حکم به این شیوه دعوی دولت را تضعیف کرد، اما شواهد باقی مانده در پرونده آن قدر قوی بودند که منجر به محکومیت در اکثر موارد کیفرخواست شدند.

انتخاب کردن هیئت منصفه نیازمند مطرح کردن سوال ها با هدف تعیین اعضای هیئت منصفه با القوه ای است که قادر به ارزیابی شواهد به شیوه ای بی طرفانه و عاری از تعصب است. بسیاری از اعضای هیئت منصفه در طول voir dire (پرسش پیش از محاکمه ازاعضای بالقوه هیئت منصفه) اظهار کرده اند که موضوع موارد اتهامات به تنهایی برای خراب کردن ذهن آنان در مورد پرونده و بی گناهی متهم کافی بوده است. آنها صراحتا اشاره کردند که نمی توانستند تصور کنند که متهم بی گناه بوده است. دیگر اعضای بالقوه هیئت منصفه از شرکت کردن خودداری کردند زیرا، آنها، اعضای خانواده، یا دوستان به نوعی سواستفاده جنسی در کودکی را تجربه کرده بودند. و دیگران احساس کردند که شهادت پیش روی آنها در جلسه دادگاه احساسات انها را به قدری جریحه دار می کند که دیگر قادر به بی طرف بودن در ارزیابی پرونده متهم نخواهند بود.

روند انتخاب هیئت منصفه چند روز به طول انجامید، و محاکمه پیش از اعلام حکم گناهکار بودن در اکثر موارد، به مدت دو سال برای ارائه شواهد و دو هفته نیز برای مشورت هیئت منصفه طول کشید. هیئت منصفه متهم را در تمامی موارد گناهکار اعلام نکرد، هرچند، زمانی که من شخصا شواهد را در مورد موارد تبرئه شده بازبینی کردم، برای من آشکار شد که هیئت منصفه کار حود را به خوبی انجام داده، و مسلما آن موارد شواهد کافی برای گناهکار اعلام کردن را دارا نبودند.

رابطه ای که قاضی اغلب با هیئت منصفه و قضات زیر نظر خود ایجاد می کند رابطه ای بر پایه اعتماد است. هیئت منصفه به قاضی برای دادن چیزی که آنها به آن احتیاج دارند بر اساس قانون و دستور العمل ارزیابی عادلانه پرونده، اعتماد می کند. قاضی مسئولیت خطیر نظارت بر اجرای عدالت را به هیئت منصفه واگذار می کند. با نگاهی به سال های گذشته من در مسند قضاوت، فکر می کنم که بیش از 95 درصد پرونده های دادگاهی با حضور هیئت منصفه که من قضاوت آنها را بر عهده داشته ام، هیئت منصفه احکام را بر اساس شواهد کافی ابلاغ کرده است.

© CinemaPhoto/Corbis

12 مرد خشمگین (1957) — وقتی فیلم شروع می شود، عضو شمارهٔ 8 هیئت منصفه (به هنرنمایی هنری فوندا، نفر پنجم از سمت چپ) تنها کسی است که در مورد پرونده ای که در آن یک نوجوان اسپانیولی متهم به قتل پدر خود است رأی بر بی گناهی مجرم می دهد. در اتاق هیئت منصفهٔ داغ و شلوغ، وقتی بعضی از این مردان بینش شخصی خود را عنوان می کنند، این مسئله باعث می شود که کم کم در آنها در مورد وزن شواهد و قراین دال بر گناهکار بودن این پسر شک و تردید به وجود آید و آنها از نظر احساسی درگیر کلنجار رفتن با تعصبات و محدودیت های خود شوند.

© John Springer Collection/Corbis

مردی برای همهٔ فصل ها (1966) — هئیت منصفه، که با هنری هشتم، پادشاه انگلستان (به هنرنمایی رابرت شاو، سمت چپ) هم دست شده اند، قبل از این که به نا حق توماس مور، لرد اعظم، (به هنرنمایی پال اسکوفیلد، سمت راست) را محکوم به خیانت و مجازات اعدام با چوبهٔ دار کنند حتی لحظه ای هم به تعمق نپرداختند. مور به دنبال شهادت نیست اما نمی تواند از ایمان مذهبی خود نیز دست بردارد و طلاق همسر بدون فرزند هنری، کاترین از آراگون، را تأیید کند تا وی بتواند با آن بولین ازدواج نماید.

محاکمات با حضور هیئت منصفه: مخالفت

پیتر جی ون کوپن

سیستم محاکمات با حضور هیئت منصفه به قدری پیچیده و پرهزینه است که غالب متهمان مجبور می شوند اقرار مصلحتی به گناه را که به طور پنهانی درمورد آن توافق می شود. بپذیرند. در تعداد نسبتا کمی از پرونده هایی که محاکمه برگزار می شود. اعضای هیئت منصفه غالبا به بررسی مسائل فنی می پردازند که شایستگی آن را ندارند. پیتر جی ون کوپن استاد روانشناسی قضایی دردانشکده های حقوق دانشگاه ماستریخت و دانشگاه آزاد است که هر دو در هلند واقع می باشد. این مقاله در شمارهٔ ژوییهٔ 2009 نشریهٔ الکترونیکی USA، ساختار محاکمات با حضور هیئت منصفه به چاپ می رسد.

روزی برای دیدن پزشک عمومی خود به نزد او می روید. در آن جا هیئتی 12 نفره از شما استقبال می کند. شخصی که ظاهرا ریاست این گروه را به عهده دارد به شما می گوید این هیئت درطول ماه آینده جایگزین پزشک شما است. و با اطمینان اضافه می کند: ”نگران نباشید، عزیزم، به هر حال بیشتر کارهایی که پزشکان انجام می دهند طبق عرف عام است.“ شما چه کار می کنید؟

ریاست در واقع حق دارد: بیشتر کارهایی که دکترها انجام می دهند بر اساس عرف عام است. اما بخش مهمی از کار آنها در این قالب نمی گنجد. و همان بخش، حیاتی ترین قسمت کار پزشک است. شاید حیاتی ترین بخش این باشد که پزشک شما قادر است مورد دشوار و عجیب و شرایط خطرناک یک مرض را از یک بیماری عادی و معمولی تشخیص دهد.

متهمی که وارد دادگاه می شود و تصمیم گرفته اقرار مصلحتی به گناه خود نکند، با گروهی گشاده رو از اعضای هیئت منصفه رو به رو می شود. آن ها برای ارزیابی شواهد و تصمیم گیری درمورد گناهکار بودن یا نبودن متهم در آن جا جمع شده اند. موضوع این است که آیا چنین هیئت منصفه ای مناسب تر از راه دوم است یا نه. منظورم از راه دوم را به زودی توضیح می دهم.

يتبع في الصفحة 23

سخنی در تأیید دادرسی با حضور هیأت منصفه

نیل ویدمار

دادرسی هایی که با حضور هیأت منصفه صورت می گیرند، نه تنها در جامعه به احکامی که برای پرونده های دادگاه صادر می شود ، اعتبار می بخشد ، بلکه به نظر می رسد اعضای هیأت منصفه را به شهروندان بهتری تبدیل می کنند . نیل ویدمارراسل ام. رابینسن،استاد دانشکده حقوق ، در دانشگاه دوک در کارولینای جنوبی و همکار والری هانس در نگارش کتاب هیأت های منصفه امریکایی : رأی ، چاپ سال 2007 است. این مقاله در شماره ژوئیه 2009 نشریه الکترونیکی امریکا ، تحت عنوان ” کالبد شکافی یک دادرسی با حضور هیأت منصفه “ درج شده است .

هیأت منصفه یک نهاد منحصر به فرد است . دوازده و گاهی حتی فقط شش شهروند معمولی که هیچ گونه دانش حقوقی ندارند ، برای شنیدن دلایل درباره یک دعوای اجتماعی یا جنایی مهم فراخوانده می شوند . با آنکه قاضی دادگاه تصمیم می گیرد آنان چه دلایلی را می توانند بشنوند و طبق قانون آنان را هدایت می کند ، در پایان، خود شهروندان معمولی هستند که به تنهایی به رایزنی می نشینند و درباره گناهکار یا بی گناه بودن ، گاهی درباره این که چه کسی باید به مرگ محکوم شود ، یا در پرونده های اجتماعی ، چه کسی باید در یک دعوا ، که گاهی صحبت از چندین میلیون دلار پول درمیان است، پیروز شود ، نظر می دهند. اما آیا اعضای هیأت منصفه شایستگی و تعهد کافی برای اتخاذ چنین تصمیماتی دارند ؟ غالب شواهد حاکی از آن است که آری ،شایستگی دارند.

صدها مطالعه و بررسی ، کارایی و شایستگی اعضای هیأت منصفه را ارزیابی کرده اند . هری کالوین و هانس زایسل ، دو استاد دانشگاه شیکاگو ، در سال 1966 در مطالعه ای که بر روی 3576 دادگاه جنایی و بیش از 4000 دادگاه اجتماعی انجام دادند ، از قضات دادگاه ها ، که همان دلایلی را شنیده بودند که هیأت منصفه شنیده بود ، می خواستند پیش از اینکه تصمیم هیأت منصفه را بدانند رأی خود را بدهند. در 80 درصد موارد رأی قضات و اعضای هیأت منصفه یکی بود

اما آن 20 درصد باقیمانده چه می شود ؟ مطالعه نشان داد که

يتبع في الصفحة 20

© 2009 Sean Kane

اعضای هیأت منصفه ، در آن موارد دلایل و قوانین را درک کرده بودند اما صرفاً زاویه نگاه آنها به قضیه و ارزش های آنان در مورد مسایل ، متفاوت از قضات بود . به طور خلاصه، اعضای هیأت منصفه معیارهای اجتماعی و قضات معیارهای حقوقی و فنی را در مد نظر قرار می دادند . یافته های آن بررسی بارها تکرار شده است .

با وجود این ،در پژوهش های دیگر ، احکام هیأت منصفه در پرونده های سهل انگاری پزشکی با قضاوت های مستقل از سوی پزشکان ، درباره احتمال وقوع بی مبالاتی مقایسه شده است . تصمیمات هیأت منصفه با قضاوت های پزشکان تا حد زیادی مطابقت داشته است . به علاوه اعضای هیأت منصفه اغلب از متهمان ، حتی هنگامی که بیماران به شدت آسیب دیده بودند، دفاع می کردند و این حاکی از آن بود که آنان در اتخاذ تصمیمشان تحت تأثیر همدردی قرار نمی گرفتند.

مصاحبه های مفصل و دقیق با اعضای هیأت منصفه پس ازصدور رأی در دادگاه هایی که در آنها کارشناسان دلایل پیچیده ای ارایه کرده بودند حاکی از تحلیل دقیق و موشکافانه بوده است . اعضای هیأت منصفه ای که با آنان مصاحبه شده بود ، می دانستند که کارشناسان در چارچوب فرایندی که در آن دو طرف مخالف وجود دارند انتخاب می شوند. آنان برای ارزیابی دلایل کارشناسان از روش های مناسبی مانند بررسی کامل بودن و سنجیدگی شهادت ، مقایسه آن با شواهد دیگر در دادگاه و سنجش آن نسبت به آگاهی و تجربه خودشان در زندگی استفاده می کردند. به علاوه بررسی ها حاکی از آن است که اعضای هیأت منصفه در مشورت هایشان دیدگاه های فردی خود را درباره دلایل و شواهد با یکدیگرتلفیق می کنند و پیش از صدور رأی درباره ارزش های نسبی آن به بحث می پردازند.

طرح هیأت منصفه آریزونا

من در یک طرح غیر عادی درگیر بودم که در آن من و همکارانم در کار تحقیق ، از کل جلسات دادگاه و مشورت های واقعی اعضای هیأت منصفه در 50 پرونده اجتماعی دادگاه های آریزونا فیلم برداری کردیم . یافته های ما نتایج به دست آمده دردیگر بررسی های به عمل آمده درباره شایستگی اعضای هیأت منصفه را قویاً تأیید کرد. مثلاً، در دادگاهی اعضای هیأت منصفه از پزشکی که به نفع زنی شهادت می داد که در تصادف بین دو اتومبیل ، یک اولدزموبیل و یک لینکلن مجروح شده بود ، این سؤالات را مطرح کرده بودند:

- چرا هیچگونه مدارک پزشکی قدیمی تر از دوسال پیش از وقوع تصادف وجود ندارد ؟
- چه آزمایش ها یا معایناتی در کنار اظهارات شخص بیمار موجب تشخیص بیماری میگرن از سوی شما شد؟
- علائم دقیق ابتلاء به میگرن در او (یک مرد ، احتمالاً یکی از رانندگان) چه بودند ؟
- چرا هیچگونه آزمایش دیگری برای رد احتمال وجود بیماری های عصبی دیگر صورت نگرفته است ؟
- آیا میزان سروتونین در مغز او اندازه گیری شده است ؟
- چه عواملی موجب می شود سروتونین به درستی عمل نکند ؟
- آیا جراحی آخرین راه است ؟
- ایندوثومایسین چیست ؟ در صورت داشتن مشکلات مربوط به پروستات، آیا مشکلی به وجود می آورد ؟

پرسش هایی که از کارشناس بازسازی صحنه تصادف شاکی در همان پرونده به عمل آمده بود ، عبارت بود از :

- با آنکه در مورد نحوه نشستن و میزان وزن او (زن مجروح) اطلاعی نداشتید، چگونه مطمئن هستید که به زانوی او صدمه وارد شده است ؟
- آیا این عوامل تخمین شما را درمورد سرعت 15 فوت در ثانیه تحت تأثیر قرار می دهد ؟
- اگر جسم متحرکی در حال حرکت بماند و او (زن مجروح) از قبل تا هنگام تصادف در حال حرکت بوده باشد ، این حرکت چگونه آغاز شده و شما چه توضیحی برای آن دارید ؟
- بلندی قد شخصی که شما در اتومبیل نمونه خود برای بازسازی صحنه تصادف نشاندید و مقدار وزن او چقدر است ؟
- خطای تخمین شما در مورد سرعت ده مایل در ساعت چیست ؟
- آیا زمان 50 تا 70 هزارم ثانیه بر اساس تخمین اندازه تورفتگی است ؟
- آیا شما نتیجه می گیرید که لینکلن سرعت اولدزمبیل را کم کرد و آنرا به سمت چپ راند و اگر چنین است شاکی چگونه به سمت راست و جلو حرکت کرد ؟

انتخاب های انجمن وکلای آمریکا

© Reuteers/Corbis

کشتن مرغ مقلد (1962) — وکیل اتیکوس فینچ (به بازی گری جورج پک، سمت چپ)، با زیر سؤال بردن جامعهٔ سفید پوست خود، از مرد آفریقایی-آمریکایی فقیری دفاع می کند که به دروغ متهم به تجاوز به یک زن سفید پوست در شهر کوچکی در آلاباما در دههٔ 1930 شده است. اِی بی اِی1 می گوید، داستان فیلم، که بر اساس رمانی از هارپر لی تنظیم شده است، از زبان دختر شش سالهٔ فینچ بازگو می شود، که به تازگی مفهوم درست و غلط ، عدالت و بی عدالتی، بی رحمی جهان، و این که چگونه می توان در مقابل همهٔ اینها شجاعت نشاند داد، را آموخته است.“

بررسی های ضبط شده هیأت منصفه های دیگر در این مطالعه همان میزان دقت و توجه به جزئیات را نشان داد.

عقل سلیم

برای باورکردن این مسأله که گروهی 12 نفره از افراد غیر متخصص تحت رهبری یک قاضی که قانون را برایشان شرح می دهد ، می توانند در بررسی دلایل حقیقی و تصمیم گیری درباره یک پرونده بهتر از یک قاضی به تنهایی ، عمل کنند ، دلایل منطقی بسیاری وجود دارد.

دادرسی ها به طور معمول دربرگیرنده انبوهی از مسایل درباره رفتار انسانی هستند. به عنوان مثال ، در مورد پرونده های تجاوز یک فرد آشنا ، عموماً بیشتر این نگرانی وجود دارد که شاید رابطه جنسی بر اساس توافق بوده تا اینکه ناخواسته به وقوع پیوسته باشد . یک محاکمه به خاطر قتل اغلب دارای شواهد واضحی از وقوع یک قتل است اما پیرامون این مسائل دور می زند که آیا با نقشه قبلی انجام شده ، به طور ناگهانی صورت گرفته ، در دفاع از خود بوده یا متهم به لحاظ روانی بیمار بوده است.

چرا ما باید فرض کنیم که قضات برای تصمیم گیری در مورد اعتبار شاهدی که ادعا می کند متهم فردی را به مرگ تهدید کرد یا اینکه او (یک زن) برنامه پیچیده ای برای افزایش بهای سهام اجرا می کرد ، بهتر از هیأت منصفه هستند ؟

متغیرهای فرهنگی در هر تصمیم دادگاه ، ازسوی قاضی یا هیأت منصفه فراوانند. بنابراین ، در یک پرونده قتل مربوط به یک قربانی و یک متهم آفریقایی-آمریکایی ، آیا هیأت منصفه ای متشکل از حداقل تعدادی عضو آفریقایی-آمریکایی ، بهتر از یک قاضی سفیدپوست که در یک شهرک سفید پوستان رشد کرده قادر به درک اهانت اظهار شده از سوی قربانی که متهم را واداشت تا ادعا کند که زندگی وی در خطر بوده ، خواهد بود ؟

در یکی از دادرسیها با حضور هیأت منصفه در آریزونا راجع به یک شاکی اسپانیایی که در تصادف اتومبیل مصدوم شده بود ، یک عضو هیأت منصفه اسپانیایی به اعضای دیگر گفت که مردم اسپانیا معمولاً یک پزشک متخصص استخوان (ارتوپدیست) را به یک پزشک (عمومی ؟) ترجیح می دهند ، این خود احتمالاً توضیحی است برای این که چرا شاکی به توصیه ادامه درمان توسط یک پزشک عمل نکرد.

در محاکمه دیگری ، دو عضو هیأت منصفه که سابقه تعمیر

اتومبیل داشتند توانستند توضیح دهند که چگونه یک کامیون آتش گرفته و خانه ای را سوزانده بود.

به طور خلاصه ، سوابق متفاوتی که اعضای هیأت منصفه با خود به محل کارشان می برند می تواند به آنان درک شهودی بهتری از حقایق نسبت به قاضی ؛ یک قاضی که شاید تجربه عملی اندکی در مورد محیط خاصی که وقایع مورد بحث در آنها به وقوع پیوسته داشته باشد دادگاه بدهد ، .

بررسی نقدها

نقدهایی که از دادرسی های هیأت منصفه می شود اغلب به برخی پرونده های خاص اشاره دارد . یکی از آنها ، پرونده معروف یک دعوا در ارتباط با مسئولیت مربوط با تولید کالا بود که از سوی زنی 79 ساله طرح شده بود. این زن با ریختن قهوه داغ رستوران زنجیره ای مک دونالد روی خودش ، دچار سوختگی شده بود. حکم هیأت منصفه مبنی بر پرداخت خسارت تنبیهی 7/2 میلیون دلاری به این زن ، بحث هایی را درباره آنچه برخی از مردم آنرا دعوی های سبکسرانه تلقی می کنند ، برانگیخت .

با این حال شاید اغلب مردم دلایلی را که اعضای هیأت منصفه باید درباره این پرونده مد نظر قرار می دادند نمی دانند :

- مک دونالد برای ارضای خاطر مشتریان ، قهوه خود را 20 درجه داغ تر از میزان درجه حرارت توصیه شده توسط تولید کننده به فروش می رساند.

- آن زن دچار سوختگی از نوع درجه 2 و 3 در ناحیه تناسلی خود شده بود که نیاز به جراحی گسترده و پیوند پوست داشت.

- مک دونالد پیش از این واقعه نیز 700 شکایت درباره قهوه خود دریافت کرده اما هرگز با یک متخصص سوختگی مشورت نکرده بود .

- شهادت مدیران اجرایی مک دونالد در دادگاه ، به طوری که گفته شده، حاکی از تکبر و خودپسندی و بیانگر مقاومت دربرابر تغییر راهبرد بازاریابی آنان بود (با این حال پس از حکم دادگاه مک دونالد میزان حرارت قهوه خود را کاهش داد) .

- رأی تنبیهی 7/2 میلیون دلاری هیأت منصفه برابر با فقط دو روز فروش قهوه مک دونالد بود. به علاوه ، قاضی میزان مبلغ این خسارت تنبیهی را به 480 هزار دلار کاهش داد

پرونده مک دونالد همچنین یادآور آن است که محاکمه توسط هیأت منصفه درواقع " محاکمه توسط قاضی و هیأت منصفه" است و اینکه قاضی بر شواهدی که اعضای هیأت منصفه می شنوند نظارت دارد ، آنان را در مورد قانون هدایت می کند و پیش از اینکه رأی آنان به عنوان قضاوت دادگاه به ثبت برسد ، آنرا به دقت مورد بررسی قرارمی دهد .

بسیاری از انتقادهای صورت گرفته از احکام اجتماعی و جنایی هیأت منصفه که در روزنامه ها و تارنماها ها انعکاس می یابد ، به همین ترتیب فاقد بررسی دقیق هستند. هیأت منصفه نیزمانند قضات یا هر تصمیم گیرنده دیگری ممکن است اشتباه کنند اما شواهد جدی و واضح نشان دهندهٔ آن است که به طور کلی، هیأت های منصفه فوق العاده خوب عمل می کنند. وبررسی های قضات امریکایی که مسئول دادگاهها هستند حاکی ازحمایت قاطع و پرشور آنان از نظام هیأت منصفه است .

جرم ، سهل انگاری و جامعه

دادرسیها به وقایعی مربوط می شوند که جامعه ای را که این دادرسیها در آن به وقوع می پیوندند تحت تأثیر قرارمی دهند. داشتن اعضایی از جامعه که در مورد گناهکار یا بی گناه بودن ، یا این که کسی سهل انگاری کرده یا نا تصمیم می گیرند ، به حکم به خصوص هنگامی که پرونده بحث انگیز است، مشروعیت می بخشد

در بررسی های بسیاری که طی چهار دهه گذشته انجام داده ام ، اعضای بالقوه هیأت منصفه پیوسته می گویند که تمایل داشتند رأی یک هیأت منصفه راکه ادله را در در دادگاه می شنیدند ، حتی هنگامی که آن رأی با دیدگاههای شخصی شان که نشأت گرفته از گزارش تلویزیون و روزنامه درباره آن پرونده بوده ، در تضاد باشد، بپذیرند .

پژوهش های اخیر نیز با اطمینان نشان داده است که پس از آنکه افراد در یک هیأت منصفه خدمت می کنند ، نه تنها درک بهتری از نظام حقوقی کسب می کنند بلکه در فعالیت های اجتماعی بیشتری حضور می یابند و بیشتر تمایل به داوطلب شدن برای خدمات اجتماعی دارند.

به طور خلاصه ، شواهد روشن حاکی از آن است که اعضای هیأت منصفه نه تنها تصمیم گیرند گانی شایسته هستند بلکه نظام هیأت منصفه نیز نهاد دمکراتیک با اهمیتی است.

انتخاب های انجمن وکلای آمریکا

© Bettmann/Corbis

کشتن مرغ مقلد (1962) — وکیل اتیکوس فینچ (به بازی گری جورج پک، سمت چپ)، با زیر سؤال بردن جامعهٔ سفید پوست خود، از مرد آفریقایی-آمریکایی فقیری دفاع می کند که به دروغ متهم به تجاوز به یک زن سفید پوست در شهر کوچکی در آلاباما در دههٔ 1930 شده است. اِی بی اِی1 می گوید، داستان فیلم، که بر اساس رمانی از هارپر لی تنظیم شده است، از زبان دختر شش سالهٔ فینچ بازگو می شود، که به تازگی مفهوم درست و غلط ، عدالت و بی عدالتی، بی رحمی جهان، و این که چگونه می توان در مقابل همهٔ اینها شجاعت نشاند داد، را آموخته است.''

یقینا، همهٔ افراد، پزشک عمومی دارای مدرک تحصیلی را به پزشکان عمومی ترجیح می دهند، و این موضوع در مورد تمامی حرفه ها صادق است. پس اولین سؤال این است: آیا تصمیم گیری یا یافتن حقیقت در پرونده های جنایی طوری است که می تواند توسط مردم غیر حرفه ای هم انجام شود؟ برای پاسخ دادن به این سؤال، اجازه دهید به بررسی موضوعی بپردازم که در یک محاکمهٔ جنایی در برابر هیئت منصفه قرار دارد. هیئت منصفه باید در مورد واقعیت تصمیم بگیرد. وکلای آمریکایی بلافاصله جواب می دهند که محاکمات جنایی به واقعیت ارتباط ندارند، بلکه به روایتی از آن واقعیت مربوط می شوند: کدام یک از طرفین، استدلال بهتری دربارهٔ واقعیت دارند؟

به هر صورت، کاری که هیئت منصفه انجام می دهد تفاوت چندانی با کار دانشمندان ندارد. یک دانشمند باید از وضعیتِ اموری که به طور مستقیم قابل مشاهده نیستند، نتیجه گیری کند، استنباط او باید از جمله شواهدِ رؤیت پذیر باشد. و این دقیقا همان کاری است که هیئت منصفه انجام می دهد: تصمیم گیری دربارهٔ گناه متهم برمبنای شواهدی که در محاکمه ارائه می شود. این اقدامی علمی است که فراتر از شایستگی فکری غالب کسانی می رود که برای خدمت در هیئت منصفه از آنان دعوت می شود.

مدافعان هیئت منصفه سعی می کنند از پژوهش های تعیین کنندهٔ هاری کالون و هانس زیسل در سال 1966 استفاده کنند. کالون و زیسل در تعداد زیادی از موارد، هنگامی که هیئت منصفه مشغول تصمیم گیری در اتاقی دیگر بود، از قاضی می پرسیدند که اگر مسئولیت بر عهدهٔ او بود، چه تصمیمی درمورد پروندهٔ مربوط می گرفت. آن ها متوجه شدند که در بیشتر موارد، قضات همان حکمی را صادر می کنند که هیئت منصفه بعدا اعلام می کرد.

اهمیت آموزش

آن پژوهش ها، تفاسیری را اقتضا می کنند. مانند مثال مربوط به پزشک، قاضی حرفه ای و هیئت منصفه ممکن است در غالب موارد با هم توافق داشته باشند، اما این مسئله بدان معنی نیست که

در مورد مهمترین پرونده ها هم با یک دیگر توافق داشته باشند، پرونده هایی که تصمیم گیری در مورد واقعیت های مربوط به آن، به نوعی دشوار است و علم و آموزش اهمیت دارد.

چرا برای ارزیابی تصمیم گیری های هیئت منصفه به قاضی مراجعه می کنیم؟ این موضوع دو چیز را مسلم می انگارد: این که قضات آن قدر خوب هستند که می توان از آن ها به عنوان معیاری برای ارزیابی هیئت منصفه استفاد کرد، و این که درمورد مسئلهٔ تصمیم گیری که در برابر هیئت منصفه قرار دارد، آشنایی با حقوق مهم است. نکتهٔ دوم نوعی سوء تعبیر معمول است. تصمیم هیئت منصفه، تصمیمی مبتنی بر واقعیت است که شکل یک تصمیم علمی را دارد. مهمتر این که، قانون، ارتباطی با آن تصمیم ندارد. این تصمیم گیری ممکن است در انواع قوانین حقوقی جای بگیرد – مثل این که کدام اسناد و شواهد باید به هیئت منصفه ارائه شود و یا می تواند در تصمیگیری لحاظ گردد – اما این باعث نمی شود که تصمیم گیری یک عمل حقوقی تلقی گردد. مدافعان هیئت منصفه بعدا این گونه استدلال می کنند که معیار تصمیم گیری در محاکمات جنایی، که باید بدون هیچ نوع شک باشد، یک قاعدهٔ حقوقی است. این گونه نیست. همان قاعدهٔ تصمیم گیری است که به طور وسیع در علوم هم به کار برده می شود، و تنها با اسمی متفاوت. در روانشناسی، به طور مثال، به همین قاعدهٔ تصمیم گیری مرز خطا گفته می شود.

و استفاده از تک تک قضات به عنوان معیاری برای تصمیم گیری های علمی، کاری است اشتباه. نخست این که، هیئتی از قضات می تواند مقایسهٔ منصفانه تری باشد. در غالب کشورها، پرونده های فاقد هیئت منصفه، توسط یک هیئت متشکل از سه یا پنج قاضی تصمیم گیری می شود. اما، دومین نکته این که، آیا قضات در مورد تصمیم های مبتنی بر واقعیت، مانند افراد هیئت های منصفه از آدم های عادی نیستند؟ افرادی که وارد مدرسهٔ حقوق می شوند، معمولا کسانی هستند که از تفکر علمی دل خوشی ندارند یا از ریاضیات متنفرند یا از انجام دادن آزمایش بیزارند. و البته که تفکر حقوقی فاصلهٔ قابل ملاحظه ای با تفکر علمی دارد.

به این ترتیب، در زمینهٔ رسیدن به واقعیت، قضات چندان هم از هیئت منصفه مناسب تر نیستند، مگر این که آموزش دیده باشند. و کشورهایی که دارای قضات حرفه ای هستند، قضات آموزش دیده اند. در واقع، وقتی من به عنوان شاهدی متخصص در کشور کوچکم خدمت می کنم، غالبا با دادگاه هایی رو به رو می شوم که یک یا چند تن از قضات آن در کلاس های من آموزش دیده اند و من مطالبی دربارهٔ بیانات شاهد، تعیین هویت، و ارزیابی شواهد را به آن ها درس داده ام. مدافعان محاکمات با حضور هیئت منصفه چگونه می توانند ادعا کنند که در حل و فصل مسائل پیچیدهٔ برخی پرونده های جنایی، آموزش اهمیت ندارد؟ چرا آن ها نادیده می گیرند که عدم موفقیت عدالت در کشورهایی که از هیئت منصفه استفاده می شود، مانند ایالات متحده و بریتانیا، بیشتر از کشور هایی ست که از آن استفاده نمی شود؟

سایر نقاط ضعف

سیستم های دارای هیئت منصفه، نقاط ضعف بیشتری دارند که کمتر مورد بحث قرار می گیرد. اولا، محاکمه با حضور هیئت منصفه، پیچیده تر از محاکمه با حضورهیئت قضات است، که در آن انتظارات بیشتری از وکیل مدافع می رود. محاکمات با حضور هیئت منصفه، مستلزم حضور وکلای بهتر است، اما غالب متهمان در ایالات متحده فاقد بضاعت مالی جهت استخدام یک وکیل مدافع خوب هستند. در کشورهایی که محاکمات با حضور یک قاضی یا هیئتی از قضات تشکیل می شود، داشتن وکیل مدافعی که کارش خیلی خوب نیست کمتر به ضرر متهم تمام می شود.

محاکمات دارای هیئت منصفه بسیار وقت گیر و کاربر هستند. در واقع، به قدری پرهزینه هستند که سیستم هیئت منصفه را فقط زمانی می توان حفظ کرد که به اکثریت اعظم پرونده ها جور دیگری رسیدگی شود. در ایالت متحده این موضوع از طریق اقرار مصلحتی به جرم صورت می گیرد، یعنی توافقی میان دادستان و مدافع که قاضی هم یک کنترل جانبی بر آن دارد. این سیستمی است که عملا پرونده ها بدون این که کسی شواهد را واقعا ارزیابی کند، بسته می شوند، بدون بررسی دقیق و با اختیارات خارج از حد دادستان.

به طور خلاصه: در سیستم دارای هیئت منصفه، به بیشتر پرونده ها به طور پنهانی رسیدگی می شود، و تصمیم گیری درمورد تعداد بسیار اندکی از پرونده ها توسط گروه های کوچکی از مردم انجام می شود که با استفاده از عرف عام خود مشکلات پیچیده ای را که فرا تر از صلاحیت علمی و آموزشی آنان است، حل و فصل می کنند.

انتخاب های انجمن وکلای آمریکا

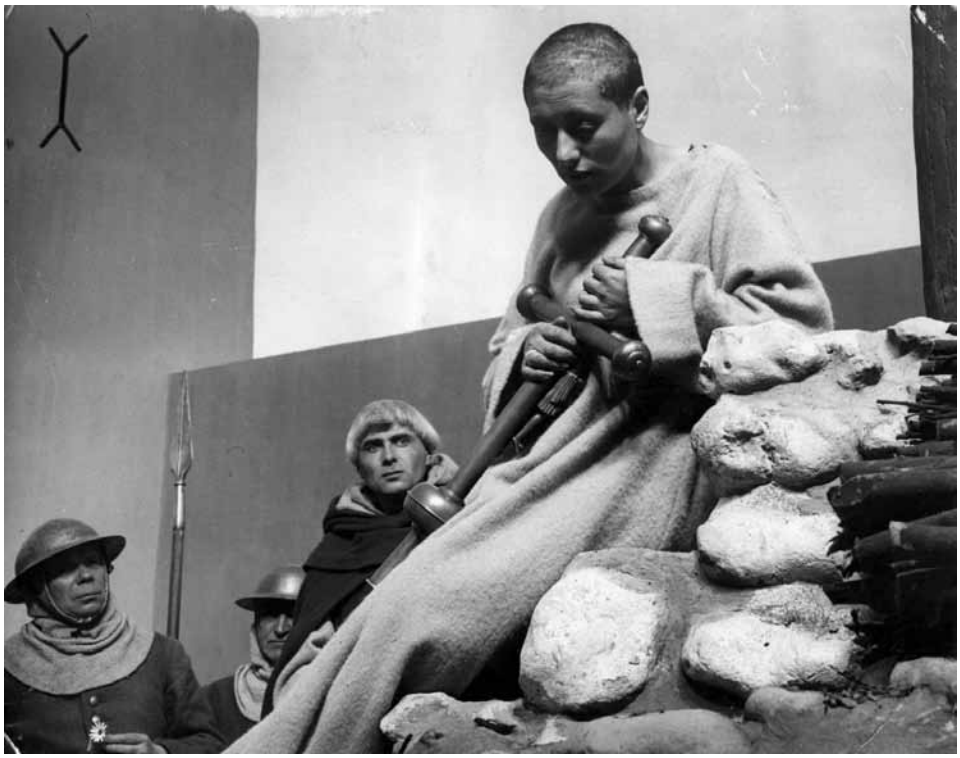

© Getty Imagess

اشتیاق جوآن از آرک (1928) —ماریا فالکونتی نقش سن جوآن را در این فیلم صامت بازی می کند، فیلمی که "با قدرت تصویری بی امان" محاکمه و اعدام با سوزاندن پس از دستگیری توسط انگلیسی ها در قرن 15 را باز آفرینی می کند.

© John Springer Collection/Corbis

محاکمه (1962) —نسخهٔ کارگردان اورسون ولز از فیلم رمان کافکا در مورد بی عدالتی و فساد، مشقات طاقت فرسای فردی به نام جوزف کی.، به بازیگری آنتونی پرکینز، را نشان می دهد که بدون این که بداند اتهام وی چیست، دستگیر شده، به دادگاه آورده و محکوم به مرگ می شود. اِی بی اِی می گوید: "محاکمهٔ توأم با مشقاتی که در این جا به نمایش گذاشته شد نه تنها برای جوزف ک بلکه برای همهٔ بینندگان است."

نقش دادستان

شِین رد

© AP Images/Dana Verkouteren

هدف دادستان در یک محاکمه نه فقط متقاعد ساختن اعضای هیت منصفه دعوی دولت نسبت به این که متهم جرمی مرتکب شده است. بلکه حصول اطمینان از آن است که هیچ فرد بی گناهی به اشتباه محکوم نشود. شین رد ، دستیار دادستان ایالات متحد در دالاس. تگزاس و نویسنده کتاب پیروزی در دادگاه *http://www.winningattrial.com* **است. این مقاله در نسخه ژوئیه** *2009* **نشریه الکترونیکی آمریکا. " ساختار دادگاه برخوردار از هیئت منصفه " است.**

نقش دادستان در محاکمه، سخنگوی دولت بودن و اثبات مجرم بودن متهم در مورد جرمی است که به آن متهم شده است. این مقاله درباره وظیفه دادستان در دادگاه است و از یکی از مشهورترین محاکمات آمریکا نمونه هایی را ذکر می کند.

جلسهٔ محاکمه از پنج بخش مهم تشکیل می شود: انتخاب اعضای هیئت منصفه، گزارش آغازین، بازپرسی صریح، بازجویی متقابل و استدلال نهایی. هنگامی که یک محاکمه آغاز می شود، قاضی حدود 40 نفر از اعضای هیئت منصفه را به دادگاه می آورد تا از میان آنان 12 نفر اعضای عادل هیئت منصفه انتخاب شوند. به منظور یافتن این اعضا، دادستان می تواند از آنان سؤال هایی را بپرسد، از جمله، آیا تجربه ناخوشایندی با پلیس داشته اید؟ یا آیا شما یا یکی از اعضای خانواده تان به اشتباه در مورد ارتکاب جرمی محکوم شده اید؟ اگر یکی از اعضای هیئت منصفه به یکی از این سؤالات پاسخ مثبت دهد آنگاه دادستان سؤالات دیگری می کند تا دریابد که آیا آن فردمی تواند با وجود آن تجربه ناخوشایند باز هم بی طرف باشد.

پس از انتخاب اعضای هیئت منصفه، دادستان گزارش آغازین را ایراد می کند. درواقع این یک سخنرانی است که در آن دادستان درباره شواهدی برای هیئت منصفه سخن می گوید که می خواهد به منظور اثبات جرم متهم به آنان نشان دهد. یکی از بهترین نطق های افتتاحیه را دادستان جوزف هارتزلر در محاکمه

تیموتی مک وی ایراد نمود زیرا بسیار قانع کننده و از لحاظ ساختاری منطقی بود. مک وی به خاطر طراحی بمب گذاری ساختمان دولت فدرال در اوکلاهاما سیتی در صبح 19 آوریل 1995 محاکمه می شد. درآن روز صبح مک وی یک کامیون پر از مواد منفجره دست ساز را در مقابل ساختمان پارک کرد، از کامیون پیاده شد و هنگامی که کامیون منفجر شد 168 نفر از جمله 19 کودک کشته شدند.

آنچه که گزارش آغازین را چنین متقاعد کننده ساخت عبارت از این بود که دادستان بلافاصله توجه اعضای هیئت منصفه را به خود جلب نمود، به طوری که آنان به شنیدن ریز شواهدی که قرار بود در دادگاه ارایه شود علاقه مند شوند. او با شرح آخرین ساعت های زندگی کودکی آغاز کرد که درآغوش مادرش درمرکز نگهداری روزانه کودکان در ساختمان فدرال به خواب رفت؛ ساختمانی که منفجر شد. هدف دادستان از این کار جلب توجه هیئت منصفه به خشونت بی رحمانه مک وی علیه بی گناه ترین قربانی یعنی یک کودک بود.

دادستان سپس به هیئت منصفه گفت که وی چگونه می خواهد جرم مک وی را ثابت کند.مشکلی که وجود داشت این بود که هیچ شاهد عینی که پیاده شدن مک وی را از کامیون منفجر شده دیده باشد وجود نداشت، اما دادستان شواهد عینی ارائه نمود همچون رسید اجاره کامیون و شهادت دوستان سابق مک وی که دیده بودند او موادی برای ساختن بمب تهیه می کند و توضیحات مک وی را درباره آنچه می خواست انجام دهد شنیده بودند.

احضار شهود

پس از آن که دادستان گزارش آغازین را ایراد می کند، وکیل مدافع فرصت دارد همان کار را انجام دهد. سپس دادستان مهم ترین بخش محاکمه را آغاز می کند. او باید شهودی را احضار کند که می توانند به هیئت منصفه آنچه را دیده و شنیده اند که ثابت می کند متهم گناهکار است، بگویند. دادستان همچنین به فرد شاهد، عکس ها، اسناد، نمودارها و اشیایی را نشان می دهد تا او آنها را شناسایی کند و ثابت شود که متهم مرتکب جنایت شده است. در محاکمه مک وی یکی از مهم ترین شهود، لوری فورتیه ، دوست صمیمی مک وی بود. دادستان از او درباره زمانی سؤال کرد که دیده بود مک وی برای او نموداری رسم کرد تا نشان دهد چگونه می خواهد بمب را بسازد. فورتیه همچنین به هیئت منصفه گفت که چگونه مک وی سعی کرده بود وی را متقاعد کند که در این دسیسه به او کمک کند. اما او نپذیرفته بود.

پس از این که دادستان، دعوی خود را به هیئت منصفه ارایه می کند، متهم حق دارد – اما مجبور نیست – که مدرک بی گناهی خود را ارایه کند. هنگامی که وکیل این کار را انجام می دهد، دادستان حق دارد از طریق بازجویی از شهود سؤال هایی بپرسد که صدق یا کذب گفتارشان آشکار شود. وکیل مدافع مک وی سعی کرد مدارکی ارایه کند که نشان می داد یک مرد ناشناس قاتل واقعی بوده است. اما دادستان با طرح پرسش های منطقی از شهود توانست ثابت کند که مک وی بمب گذار واقعی بوده است. مک وی در1997 گناهکار شناخته شد و در 2001 اعدام گردید.

نقش دادستان هنگامی پایان می پذیرد که وی در اتمام یک محاکمه استدلال نهایی را ارایه کند. استدلال نهایی مانند گزارش آغازین سخنانی خطاب به هیئت منصفه است. دادستان دراین سخنرانی دوم، آنچه را که شهود به هیئت منصفه اظهار داشته و نشان داده اند خلاصه می کند و سپس استدلال می کند که چرا متهم باید محکوم شود. با این همه نقش دادستان این نیست که به هر قیمت حکم محکومیت متهم را بگیرد بلکه هدف او اجرای عدالت است به طوری که شخص بی گناهی به اشتباه محکوم نشود.

خدمت هیئت منصفه در امریکا

درصد بزرگسالان امریکایی که در طول زندگی خود به عنوان عضو هیئت منصفه خدمت کرده اند : 29 درصد

منبع : خدمت هیئت منصفه : آیا شما با یک محاکمه وظیفه شهروندی خود را به انجام می رسانید ؟ (ژوئیه 2004) ، هریس اینتراکتیو

****

متوسط دستمزد روزانه عضو هیئت منصفه : 22 دلار (تقریباً 25 درصد درآمد سرانه روزانه)

منبع : نظر سنجی زیر عنوان ''وضعیت ایالات'' در بارهٔ کوششهای مربوط به بهبود کار هیئت منصفه (آوریل 2007) ، مرکز ملی دادگاه های ایالتی

JURY SYSTEMS AROUND THE WORLD

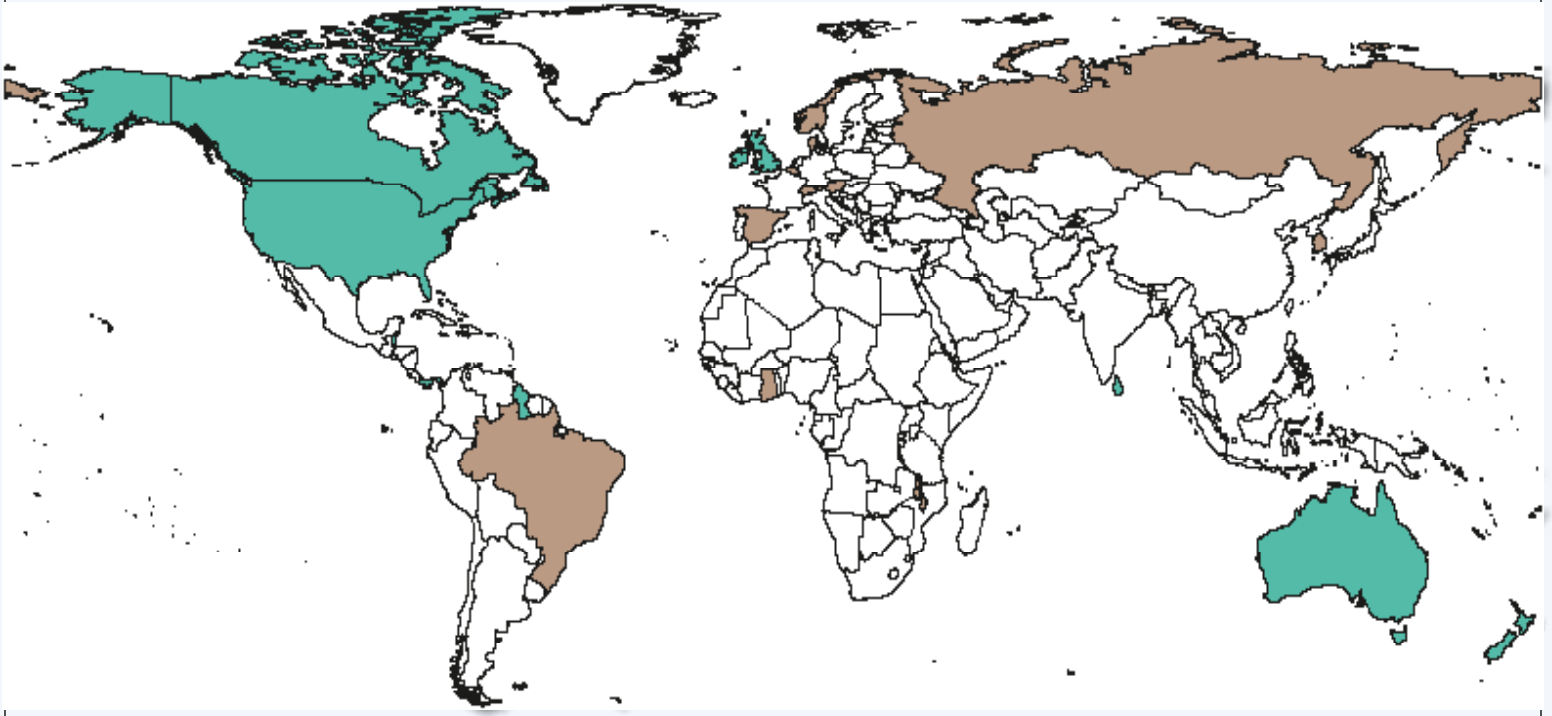

Countries, Territories, and Protectorates With Common Law Juries			
St. Helena	Jersey	Cook Islands	American Samoa
St. Lucia	Malta	Dominica	Anguilla
St. Vincent	Marshall Islands	Gibraltar	Antigua
Sri Lanka	Montserrat	Grenada	Australia
Tonga	New Zealand	Grenadines	Bahamas
Tortola	Northern Mariana	Guam	Barbuda
Trinidad	Islands	Guyana	Belize
Turks and Caicos	Panama	Hong Kong	Bermuda
Islands	Puerto Rico	Ireland	British Virgin Islands
United Kingdom	St. Christopher and	Isle of Man	Canada
United States	Nevis	Jamaica	Cayman Islands

Countries and Territories That Use Forms of the Jury Under Different Procedural Systems and Their Use Is Limited for Certain Types of Crimes			
Russia	Korea	Denmark	Austria
Spain	Malawi	Ghana	Belgium
Switzerland	Norway	Guernsey	Brazil

Source: Neil Vidmar, Duke University School of Law

نقش وکیل مدافع

بری پولاک

© William Hennessy/epa/Corbis

برای متهمانی که می خواهند خطرات محاکمه شدن را به جان بخرند، وکیل مدافعی کارآمد می تواند حتی قدرت های غیر معمول در دولت را نیز به چالش بکشد. بری پولاک به عنوان عضوی از شرکت حقوقی میلر شوالیه، واشنگتن دی سی ، وکالت افراد و شرکت ها را در تحقیقات و محاکمات جنایی به عهده داشته است. این مقاله در نسخه ژوئیه 2009 نشریه الکترونیکی آمریکا، ساختار دادگاه هیئت منصفه به چاپ رسیده است.

نظام قضایی جنایی ایالات متحده در تعقیب کیفری جرائم جنایی اختیاراتی غیرمعمول به دولت داده است. اما در عین حال فشارهای بسیار سنگینی بر قدرت دولت برای اثبات محکومیت وارد می آورد. هم اختیاری که به دولت داده شده و هم محدودیت های اعمال شده بر آن نقشی چالش انگیز برای وکلای مدافع جنایی ایجاد می کند.

هنگامی که اتهامات جنایی وارد می شوند، متهم از حمایت های معمول قابل ملاحظه ای برخوردار می شود، از جمله حق تعیین وکیل در صورت عدم توانایی مالی متهم. اما احکام، حتی برای مجرمان بدون سوء سابقهٔ غیر خشن هم ممکن است شدید باشد. دادستان ها اختیار گسترده ای در مورد دعوت به اقرار مصلحتی به جرم دارند که اتهامات کمتری را با احکام تخفیف یافته در برابر اقرار به جرم یا کمک متهم در تعقیب کیفری دیگران، یا هردو، متوجه متهم می کند. ترکیبی از اختیارات تقریبا نا محدود برای کاستن از اتهامات و احکام وزندان های طولانی مدت که به بسیاری از جرایم نسبت داده می شود، قدرت مانورعظیمی برای حل و فصل دعوی ها از طریق نظام مخالف با دادگاه به دادستان می دهد.

دو نمونهٔ اخیر تفاوت کسانی را که به جرم خود اقرار می کنند و کسانی راکه به محاکمه تن می دهند نشان می دهد. یکی از مقامات مالی ارشد شرکت بزرگ مخابراتی، ام سی آی / ورلد کام مبادرت به تقلب مالی گسترده ای در شرکت نمود. او به جرم خود اقرار کرد و به پنج سال حبس محکوم شد. مقام اجرایی ارشد محاکمه و مجرم شناخته شد و به 25 سال حبس محکوم شد.

به همین ترتیب مقام ارشد مالیهوستون ، تگزاس، شرکت مختلط انرون به تقلب مالی اقرار کرد و به شش سال زندان محکوم شد. مدیر ارشد دیگری که به محاکمه تن داد مجرم شناخته و به 24 سال زندان محکوم شد.

برای کسانی که به محاکمه تن می دهند خطرات زیادی وجود دارد، اما منافع بالقوه بسیارند. درمحاکمه، دولت بار اثبات مجرم بودن متهم را برای متقاعد کردن دسته جمعی 12 عضو هیئت منصفه به دوش می کشد. وکیل مدافع حق دارد ارایهٔ اسناد و شواهد عینی را تحمیل کند و شهود را مجبور به حضور نماید. اما وکیل اغلب چشم بسته عمل می کند زیرا شهود مجبور نیستند پیش از محاکمه با وکیل صحبت کنند و دولت تنها مسئولیت محدودی برای افشای مدارکی که جمع آوری کرده دارد. به علاوه هر شاهدی حق دارد خودش را متهم نکند و می تواند از دادن شهادت خودداری کند. وکیل، برخلاف دولت، نمی تواند با اعطای مصونیت، شاهدی را مجبور به ادای شهادت نماید. به همین ترتیب، وکیل به طور معمول نمی تواند بی گناهی متهم را ثابت کند. بلکه ضعف ها را در دعوی دولت آشکار و سعی می کند بذر تردید را در میان اعضای هیئت منصفه به پراکند.

وکیل مدافع جنایی هم حق و هم در واقع مسئولیت دارد تمام دلایل و حقایق ممکن را از طرف متهم برشمارد، با این محدودیت که مشاور حقوقی نمی تواند به عمد شهادت جعلی دهد.

چالش دولت

در نظام دادگاه فدرال آمریکا، ضریب محکومیت تقریبا 90 درصد است. اما فشارهای وارده بر دولت در دادگاه بسیار زیاد است به خصوص هنگامی که با مشاور حقوقی کارکشته ای با منابع کافی برای پیگیری حقایق و اقامهٔ چالش های حقوقی روبرو باشد. جایزه کسانی که شکیبایی آزمودن شواهد دولت را از طریق فرآیند مخالف داشته باشند، ممکن است تبرئه و اثبات حقانیت باشد. دولت که عادت ندارد شواهدش به چالش کشیده شود ممکن است دریابد که شهودش چندان هم ثبات رأی ندارند یا مدارکش بیش از آن که پیش بینی می کرد دال بر بی گناهی است.

من حدود 20 سال است که وکیل مدافع جنایی بوده ام. با وجود استثناهایی، در اغلب پرونده های من نتیجه عادلانه و روند کار شگفت انگیز بوده است.

پیگرد قانونی مدیران شرکت انرون نشانگر اختیارات و محدودیت های دولت است. اتهامات تقلب گسترده در انرون خیلی زود منجر به بد نامی عمومی آن به عنوان شرکتی شد که اسناد مالی را جعل کرده و این که از نظر افکار عمومی کارکنان آن شیادان ثروتمندی بودند که چنان که باید سود برده بودند در حالی که سرمایه گذاران جزء به حال خود رها شدند تا از تبعات این جریان رنج بکشند.

وزارت دادگستری آمریکا منابع غیرمعمولی را در تعقیب کیفری تقلب ادعا شده در انرون وارد کرد. از بیش از صد نفر به عنوان همدستان ادعا شده در فروپاشی انرون نام برده شد. تقریبا 20 اعتراف به جرم گرفته شد و حدود 12 مدیر از پرونده خود در دادگاه دفاع کردند. اسناد دولت در پرونده های انرون که در نهایت به محاکمه انجامید مبهم بود. دو نفر ازتمام جرائم تبرئه شدند و هیئت منصفه نتوانست علیه چندین نفر دیگر به رأی برسد. برخی افراد که محکوم شده بودند با درخواست فرجام،رأی آنان ابطال شد. اما در نهایت دولت حکم محکومیت دو تن از بالاترین مقامات انرون را به دست آورد.

موکل من، که حسابدار سابق انرون با دارایی محدود بود می توانست به سادگی به جرم خود اقرار کند و احتمالا محکومیت متوسط عادلانه ای می گرفت. اما او قاطعانه به بی گناهی خود اعتقاد داشت. به رغم منابع غیر عادی دولت، خواری و تحقیری که شهروندان هوستون (و اعضای هیأت منصفه) با آن انرون را می نگریستند و احتمال سال ها محکومیت زندان در صورتی که حتی یکی از جرائم او به اثبات می رسید، موکل من تصمیم گرفت در برابر دولت آمریکا بایستد و آن را مجبور کند که دعوی خود را اثبات کند. من از طریق بازجویی از شهود دولت که به بسیاری از آنان قول داده شده بود در برابر شهادتشان تحت پیگرد قرار نخواهند گرفت، به او کمک کردم. همچنین در ارایه دفاعیه او از جمله شهادت کارشناس حسابداری و از همه مهم تر شهادت خود او، به او کمک کردم.

در انتها هیئت منصفه ای از همتایان خود او، به اتفاق آراء او را از تمام اتهامات مبرا دانستند. برای کسانی همچون موکل من در این پرونده، که شجاعت آن را دارند که خطرات غیر معمولی را که دادگاه هیئت منصفه ای جنایی در بردارد بپذیرند، این روند می تواند مؤثر باشد و کاملا هم مؤثر است.

ناتان لانک فورد دستیاری در میلر شوالیه در تهیه این مقاله مرا یاری کرد.

انتخاب های انجمن وکلای آمریکا

© John Springer Collection/Corbis

مرد اشتباهی (1957) — فیلم کارگردان آلفرد هیچکاک، بر اساس داستان واقعی، مشقات موسیقی دانی به نام مانی بالسترو (به بازی گری هنری فوندا، سمت چپ) را به نمایش می گذارد که به اشتباه برای دزدی از دفتر یک شرکت بیمه، که کس دیگری مرتکب آن شده بود، دستگیر و محاکمه می شود. گذر اضطراب آور از نظام عدالت مدافع بی گناه، را امتحان می کند ، و حتی از این هم بیشتر، همسر او را، و وی را به یک آسایشگاه روانی می سپارند. اِی بی اِی می گوید: این فیلم ”مشخص می کند که وحشت از یکنواختی تشریفات اداری در مورد عدالت می تواند از نظر روانی به همان اندازهٔ بی عدالتی محض زیان آور باشد.“

© CinemaPhoto/Corbis

ام (1931) — قاضی و هیئت منصفه در این محاکمه از جانیان ارشد برلین هستند، که در حال صدور حکم در یک انبار برای هانس بکت، به بازی گری پیتر لور، قاتل زنجیره ای که کودکان را به دام می اندازد، هستند. این جانیان مصمم هستند که، با خلاص کردن جهان از شر بکت، که اعمال تکان دهنده اش باعث افزایش موانع پلیس بر سر راه انجام تجارت های غیر قانونی دیگر آنها شده است، شکل عدالت خود را به سرعت جاری کنند. اِی بی اِی می گوید، این فیلم ”ابراز دردناک تنها این نکته است که عدالت واقعاً تا چه حد می تواند فرار و پیچیده باشد“

درخشش گوهر عدالت

گریگوری ای. مایز

دو سازمان در حال ارتقای اصولی هستند تا هیئت های منصفه، بیشتر نمایانگر جامعهٔ خود باشند و نیز روش اجرای دادرسی ها را به شکلی تغییر دهند تا اعضای هیئت منصفه درک بهتری از مسائل پیچیده به دست آورند. گریگوری ای. مایز ، قاضی سابق در واشنگتن دی. سی.، هم اکنون از اعضای قضایی در مرکز ملی دادگاه های ایالتی است. وی از نظرات شما از طریق آدرس پست الکترونیکی *GMize@ncsc.org* استقبال می کند. این مقاله در شمارهٔ ژوئیه *2009* مجلهٔ *eJournal USA* با موضوع کالبد شکافی دادرسی هیئت منصفه، منتشر شده است.

هرچند آمریکا در سال 1776 استقلال خود را از بریتانیای کبیراعلام نمود، هستهٔ اصلی نظام دادگستری اش بر اساس شیوهٔ انگلیسی باقی ماند که همان دادرسی توسط هیئت منصفه است. بی اعتمادی عمیق آمریکایی ها به قدرت حکومت مرکزی به تصویب بسیاری قوانین فدرال و ایالتی انجامید که هدف از آنها تضمین این امر بود که برای تصمیم گیری مبنی بر گناهکار یا بی گناه بودن در پرونده های کیفری و ضامن بودن یا غیرضامن بودن در دادرسی های مدنی، خود همتاهای طرفین دعوی ارجحیت دارند.

در قرون بعد، مردم آمریکا در مورد ارزش دادرسی به وسیلهٔ هیئت منصفه به اتفاق نظر رسیدند. با این حال، در طی همین زمان، دادرسی های هیئت منصفه هنوز هم با تمسک به بسیاری از فرضیه ها و عملکردهای قرن هجدهم اجرا می شد. به ویژه آن که، قضات و وکلا در مورد به دست آوردن کنترل دادرسی طمع کردند – غالباً با زبان تخصصی و درخواست از سایر شرکت کنندگان برای پیروی از رویه های قانونی بدون توضیح و توجیه. قضات به عنوان ناظران طرح دعاوی، به شهروندان عضو هیئت منصفه دستور می دادند که تا پایان دادرسی و زمان صدور حکم ساکت و کاملاً منفعل باشند.

این گونه برخوردها در حال تغییر هستند. با آغاز دههٔ 1990، نویسندگان رسانه های عمومی و حقوقی به طور مداوم به دادرسی های هیئت منصفه ، به ویژه در پرونده های مدنی، حمله کردند. بسیاری اقامه کنندگان دعاوی، که غالباً از شرکت های بازرگانی بودند، به طور مکرر به چندین رأی بزرگ و ظاهراً غیرمعقول هیئت منصفه که به آنها خسارت وارد کرده بود به عنوان شاهدی بر این که نظام هیئت منصفهٔ مدنی از کنترل خارج شده بود، اشاره می کردند. بسیاری از وکلا و موکلان در دعاوی کیفری و مدنی از این امر شکایت داشتند که ویژگی های اجتماعی شهروندانی که برای خدمت هیئت منصفه گزینش می شدند، نمایانندهٔ مشخصه های کل جمعیت نبود؛ بدین معنی که ویژگی های اجتماعی این شهروندان به اندازهٔ کافی نمایانگر اقلیت های قومی و طبقات مختلف اقتصادی نبود.

تلاش در جهت بهبود

برای پرداختن به این انتقادها (چه انتقادهایی که ریشه در واقعیت داشتند و چه آنهایی که بر اساس تصور شکل گرفته بودند)، انجمن وکلای آمریکا (ABA) و مرکز ملی دادگاه های ایالتی (NCSC) با هدف افزایش اعتماد واطمینان عمومی به نظام قضایی ، برای ترغیب قضات و وکلا به بهبود دادرسی هیئت منصفه تلاش سختی کردند. پس از منصوب کردن گروهی متعادل از وکلای دادرسی و متخصصان هیئت منصفه از سراسر نقاط کشور، انجمن وکلای آمریکا ”اصول هیئت های منصفه و دادرسی های هیأ ت منصفه “ را همراه با شرح و تفسیری کارشناسانه صادر نمود. در حال حاضر این اصول ، ”استانداردهای طلایی“ برای ارزیابی عملکردهای دادرسی هیئت منصفه به شمار می روند. به لطف مرکز مطالعات هیئت منصفه متعلق به مرکز ملی دادگاه های ایالتی و شمار فزاینده ای از قضات و وکلای سراسر آمریکا، این اصول در همایش های آموزش وکلا و قضات به منظور راهنمای سیاست گذاری و آموزش عملی، مورد استفاده قرار می گیرند.

در این جا چند نمونه از این اصول آورده می شوند:

اصل 2 بیان می کند که ”شهروندان حق دارند در هیئت منصفه خدمت کنند و موجبات خدمت آنها باید فرآهم گردد“. با توجه به این هدف، اصل مورد نظر هشدار می دهد که صلاحیت شهروند برای خدمت هیئت منصفه نباید بر اساس نژاد، جنس، سن، ملیت، ناتوانی، یا رویکرد جنسی وی، محدود یا رد شود. اصل مذکور بیان می کند که زمان مورد نیاز برای خدمت هیئت منصفه ”کوتاه ترین دورهٔ زمانی متناسب با نیازهای دادگستری باشد“ علاوه براین، به شهروندانی که خدمت می کنند باید دستمزد معقولی پرداخته شود تا در رفع هزینه های جاری زندگی اشان از قبیل مسافرت، غذا و مراقبت از فرزندان، به آنها کمک نماید.

اصل 7 تصریح می کند که دادگاه ها باید از حریم خصوصی اعضای هیئت منصفه محافظت کنند. برای مثال، این اصل بیان می کند که پس از انتخاب هیئت منصفه، دادگاه باید اطلاعات شخصی اعضای این هیئت را محرمانه تلقی نماید مگر اینکه دلیل خوبی برای عدم انجام این کار وجود داشته باشد. این اصل دادگاه ها را ترغیب می نماید که، در طی گزینش هیئت منصفه، دربارهٔ مسائلی که بطوربالقوه مضر و منافی هستند یا پرونده حاوی مسائلی است که از نظر خصوصی و شخصی از حساسیت برخوردارند، اعضای آتی را بدون حضور دیگر اعضا مورد

سؤال قرار دهند.

اصل 10 به دادگاه ها توصیه می کند که از رویه های آزاد، منصفانه و انعطاف پذیر برای گزینش مجموعه ای از اعضای هیئت منصفهٔ آتی که نمایانندهٔ کل جمعیت باشند، استفاده کنند. در پاسخ به این انتقاد که تعداد بسیار زیادی از اعضای هیئت منصفه از حیث نژاد، جنس، و سطح درآمد نمایانندهٔ کیفیات جمعیت شناختی جامعهٔ دادگاهی نیستند، این اصل قویاً بیان می دارد که نباید به خاطر شغل یک شهروند، وی به طور قهری از انجام وظیفه در هیئت منصفه معاف گردد. پزشکان، حقوق دانان، افسران پلیس، سیاستمداران، و اعضای دیگر مشاغل نباید از خدمت هیئت منصفه معاف دانسته شوند. به علاوه، این اصل می گوید که دادگاه ها باید با استفاده از فهرست های متعددی از قبیل سوابق گواهینامهٔ رانندگی، فهرست های ثبت رأی دهندگان، و فهرست مالیاتی، شهروندان را برای خدمت هیئت منصفه فرا بخوانند تا از این طریق بیشترین نسبت از جمعیتی را که نظام دادگاهی به آنها خدمت می کند در بربگیرد. اصل مذکور بر این دیدگاه استوار است که زمانی که دادگاه ها در فراخوان خود به دنبال اشتمال [بیشترین نسبت جمعیت] هستند، این اعتماد عمومی را ارتقا می دهند که طرفین دعوی احتمالاً به وسیلهٔ هیئت منصفه ای متشکل از همتاهای خود مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ارتقای درک هیئت منصفه

برای پاسخگویی به این انتقاد که هیئت های منصفه شایستگی درک حقایق و قوانین قابل کاربرد در بسیاری از پرونده های جدید را ندارند، مانند پرونده هایی که مربوط به مبادلات مالی پیچیده یا رویه های تخصصی پزشکی هستند، اصول متعددی توصیه می کنند که قضات فقط به عنوان داوران صِرف و وکلا نیز فقط به عنوان مدافع متخاصم محض عمل نکنند.

برای مثال، اصل 13 بیان می دارد که دادگاه ها و دو طرف دعوی در سراسر زمان دادرسی "درک هیئت منصفه را از حقایق و قانون، ب? قوت ارتقاء دهند" . به ویژه، این اصل پیشنهاد می کند که به اعضای هیئت منصفه اجازه داده شود که یادداشت برداری کنند، دفتر یادداشت های دادرسی را که حاوی آموزش های دادگاه و رویدادهای معمول است همراه داشته باشند، در پرونده های مدنی سؤالات مکتوب را به شهود تقدیم نمایند، و در طی دادرسی های طولانیِ مشاجرات مدنی، دربارهٔ مدارک و شواهد بین خودشان بحث و گفتگو کنند.

حتی قبل از ارائه مدارک و شواهد در پرونده ها، بر اساس اصل 6 ، دادگاه ها باید با استفاده از مجموعه ای ترکیبی از مواد نوشتاری، گفتاری و دیداری-شنیداری، به شهروندانی که برای خدمت هیئت منصفه فراخوانده شده اند برنامه های اولیهٔ آشنایی با جنبه های ضروری دادرسی هیئت منصفه را ارائه نمایند. بعلاوه، این اصل از دادگاه ها می خواهد که در پایان هر دادرسی هیئت منصفه، نه تنها آموزش های قانونی جامع را ارائه دهند بلکه آموزش های قبل از دادرسی را دربارهٔ مفاهیم و رویه های پایه، به اعضاء عرضه کنند.همچنین ، برای مقابله با این انتقاد گسترده که قضات، وکلا و شهود متخصص غالباً از زبان غیرقابل درکی استفاده می کنند، این اصل به دادگاه ها توصیه می کند که هیئت منصفه را "با زبانی روشن و قابل فهم" آموزش بدهند.

در پاسخ به عرف دادگاه ها مبنی بر پرهیز از ارائهٔ کمک واضح و ملموس به هیئت های منصفه ای که با دقت و تعمق در تلاش هستند تا رأی دادگاه را تغییر دهند، اصل 16 توصیه می کند که دادگاه ها، "زمانی که وجود یک تنگنای آشکار گزارش می گردد"، با مشورت کردن با وکلای دادرسی، به دقت به هیئت های منصفه کمک کنند. این اصل، عادت دیرینهٔ دادگاه ها را مبنی بر منفعل شدن ناگهانی و ساکت شدنشان در زمانی که هیئت منصفه بیان می کند که در رسیدن به توافق نظر دچار مشکل شده است، به چالش می کشد. اصل 16 بیان می کند که ، در طی تعمق و تفکر هیئت منصفه، زمانی که احتمالاً هیئت منصفه به شفافیت بسیار بالایی نیاز دارد، قضات و وکلا خساست نکنند و آنها را سخاوتمندانه آگاه سازند.

در آمریکا، که دادرسی های هیئت منصفه به مثابهٔ گنجینهٔ ملی است، این گوهر عدالت به طور مستمر در حال صیقل خوردن هستند.

خدمت هیئت منصفه در امریکا

درصد دادرسیهای مدنی با حضور هیئت منصفه که در آن شاکی برنده شده است :49 درصد (در 2005)
متوسط میزان خسارات تعیین شده برای غالب شاکیان : 28 هزار دلار (در2005)

منبع : مرکز ملی بررسی دادگاه های ایالتی تشکیلات قضایی مدنی دادگاه های ایالتی ، 2005

نقش شاهد

ماوریس پاسلی

© AP Images/Bill Robles

شیوه ای که شاهد حقایق پرونده را بیان می کند می تواند بر احساسات هیئت منصفه تأثیر گذار باشد. ماوریس پاسالی یک روزنامه نگار برنده جایزه پولیتزر است که پیش از بازنشستگی در سال *2008*، حدود *25* سال برای شیکاگو تریبون کار کرد. این مقاله در نسخه ژوئیه *2009* مجله الکترونیکی آمریکا، ساختار یک دادگاه هیئت منصفه به چاپ می رسد.

گفته های فرد شاهد از جمله قدرتمند ترین شکل های شهادت است که در یک دادگاه حقوقی آمریکا شنیده می شود. شهادت یک شاهد نه تنها قدرت اطلاع رسانی دارد بلکه قدرت تأثیر گذاری بر احساسات اعضای هیئت منصفه ای را دارد که به دعوی گوش می دهند و در نهایت رأی صادر می کنند.

این گفته ها چه از زبان قربانی یک جنایت بیان شود که چگونگی ربوده شدن، مورد تجاوز، یا هدف گلوله قرار گرفتن خود را شرح می دهد یا از زبان مادری جاری شود که پسر، برادر، خواهر یا همسرش به قتل رسیده اند، یا از زبان رهگذری که در لحظه ای حیاتی به طور تصادفی، هنگامی که گلوله ای شلیک می شد یا چاقویی پرتاب می شد در صحنه حضور داشته، کلمات یک شاهد اغلب مسحورکننده و مهیج است و پرشورترین لحظات یک دادگاه را تشکیل می دهند.

در نهایت، اعضای هیئت منصفه که به دعوی گوش می دهند باید تصمیم بگیرند که آیا شهادت یک شاهد حقیقت است یا خیر. در این تصمیم گیری، اعضای هیئت منصفه طرز رفتار و کلمات یک شاهد و نیز توانایی او را برای تحمل بازجویی ارزیابی می کنند که برای تضعیف شهادت او صورت می گیرد.

اشکال مختلفی از شهادت دادن در دادگاه وجود دارد، صرف نظر از این که پرونده پیگرد قانونی افراد متهم به ارتکاب یک جرم است یا شرکتی که متهم به ارتکاب یک جرم اجتماعی است.

شواهد عبارتند از: شواهد عینی جمع آوری شده در صحنه های جنایت همچون اثر انگشت و دی. ان. ای. و پوکه فشنگ و نیز شواهد مستند همچون اسناد نهادهای مالی، ایمیل های مربوط به شرکت و اسناد تصمیمات و توافق نامه های امضا شده.

و در حالی که این انواع ادله قدرت و اعتباری دارند که از پرونده ای به پرونده دیگر متفاوت است، شهادت شهود – چه

شاهدان عینی جنایات، قربانیان اصلی جنایت یا متهمان به ارتکاب جنایت – آن چیزی است که اعضای هیئت منصفه را تحت تأثیر قرارمی دهد.

انواع مختلفی از شهود وجود دارند. در پرونده های جنایی، معمول ترین شهود افسران پلیس و شاهدان عینی هستند.شهود دیگرممکن است برای ادای شهادت درباره مکالمه ای که با متهم داشته اند احضار شوند. وکلای متهم ممکن است شاهدانی را برای اقامه دلیلی برای اثبات غیبت متهم از محل وقوع جرم احضار کنند. متهم ممکن است شاهدی به نفع خودش باشد که حضور در صحنه جنایت را انکار کند.

در حال تمرین

تا زمانی که اغلب شاهدان در پرونده های جنایی و اجتماعی در عمل در جایگاه شهود قرار گیرند، شهادت آنان تفکیک، مطالعه و بارها با وکلای آنان تمرین شده است. اغلب آنان پیش از حضور در دادگاه به خوبی آماده می شوند. برخی از شهود حتی توسط وکلایشان از سوی دادگاه های ساختگی مورد محاکمه قرارمی گیرند تا پس از آن با اعضای " هیئت منصفه " ساختگی گفتگو کنند تا دریابند شهادت این شهود چه تأثیری داشته است.

به شهود دستور داده می شود که در جایگاه شهود صاف بنشینند و بدنشان را به سمت هیئت منصفه متمایل کنند به طوری که اعضای هیئت منصفه بتوانند زبان، صورت و بدن آنان را هنگام پاسخ دادن به سؤال ها ببینند. این مسأله صرف نظر از این که یک قاضی به دعوی گوش می دهد یا یک هیئت منصفه، مهم است، اما هنگامی این مسئله مهم تر می شود که اعضای هیئت منصفه – زن و مرد از تمام طبقات جامعه – قرار باشد به اتفاق نظر برسند.

در پرونده های جنایی، دادستان شهود خود را آماده می کند و آنان را از سؤال هایی که احتمالا پرسیده می شود آگاه می کند تا پاسخ های آنان در حد امکان دقیق و صحیح باشد. این شهود معمولا مورد بازجویی ساختگی قرار می گیرند تا بی دلیل عصبی و آشفته نشوند و احتمالا شهادت نادرست ندهند.

در پرونده های اجتماعی و در برخی حوزه های قضایی، در پرونده های جنایی نیز به شهود (به جز متهمان پرونده های جنایی) اجازه می دهند پیش ازآن که از آنان سؤال شود، سوگند یاد کنند. آن شهادت ممکن است در صورت بروز اختلاف در اظهارات برای زیر سؤال بردن شهادت آنان در دادگاه مورد استفاده قرار گیرد.

در بسیاری از پرونده های جنایی و اجتماعی، مبنای تصمیم گیری اعضای هیئت منصفه و قاضی، باور آنان نسبت به صحت یا سقم اظهارات شهود یا اغلب آن چیزی است که فکر می کنند، دیده اند یا درحد توانشان به یاد می آورند.

قرن ها است که شهادت شهود عینی یکی از قابل اعتماد ترین شکل های شهادت تلقی شده است. اما در سال های اخیر پژوهش های قابل توجهی نشان داده است که شهادت شهود می تواند بسیار غیرقابل اعتماد باشد.

مطالعه پرونده ها توسط پروژه بی گناهی در نیویورک سیتی نشان می دهد که تشخیص غلط شاهد عینی تنها و بزرگ ترین دلیل محکومیت های اشتباه در آمریکا است. بیش از سه مورد از چهار مورد محکومیت های اشتباه که از طریق آزمایش دی. ان. ای. تشخیص داده شده به دلیل تشخیص غلط شاهد عینی بوده است.

خود من شاهد هستم

من خودم پس از آن که از سوی دادستان سابق تحت پیگرد قانونی قرار گرفتم به نفع خودم شهادت دادم. او مرا متهم کرده بود که با نوشتن مقاله ای در شیکاگو تریبیون در 1999 او را بد نام کرده ام. در سال 2000 پرونده تشکیل شد و من در بهار 2005، بیش از پنج سال پس از وقوع رویداد مورد بحث، برای ادای شهادت به جایگاه شهود فرا خوانده شدم.

از من به عنوان یک شاهد خواسته شد سوگند یاد کنم و قسم بخورم که برای هیئت منصفه ای که دعوی را می شنید حقیقت را بگویم. من برای مدت تقریبا سه روز در جایگاه شهود بودم و به سؤال ها وکیل خودم و وکیلی پاسخ می دادم که ادعا می کرد من او را بد نام کرده بودم.

من بدون دلیل قانونی نمی توانستم از دادن پاسخ به سؤال ها خودداری کنم و در مورد من چنین دلیلی وجود نداشت. پس از این که سؤالی از من شد من مکث کردم تا پاسخم را بسنجم و سپس به اعضای هیئت منصفه نگاه کردم تا پاسخم را بدهم. من می خواستم آنان بتوانند در چشمان من نگاه و قضاوت کنند که آیا من حقیقت را بیان می کنم یا خیر.

من حقیقت را می دانستم اما از نظر احساسی در حالی که در جایگاه شهود و در برابر هیئت منصفه و یک قاضی بودم تمرکز را دشوار می یافتم. تحت بازجویی، از دست دادن رشته افکار و نفهمیدن سؤال به طور کامل و احتمالا ارایه شهادتی که درست یا حقیقت نیست امکان پذیر است.

من به عنوان شاهد باید تمرکز می کردم که راست بگویم و سؤال ها را –هرچه قدر هم که دشوار باشند –تا حد امکان صحیح پاسخ دهم.

در پایان امیدوار بودم که اعضای هیئت منصفه حرف های مرا باور کنند.

و آنان حرف مرا باور کردند.

هنگامی که آنان رأی دادند که هیچ گونه جرمی علیه من نیافته اند، گریستم. و درک تازه ای از کسانی پیدا کردم که متهم می شوند و کسانی که مجازات آنان نه غرامت های مالی بلکه از دست دادن آزادی شان است.

برخی تفاوتهای بین ایالات

پائولا ال. هانافورد-آگور

در نظام فدرالی آمریکا. قوانین ایالتی و ملی انواع مختلفی از جرایم و دعاوی را تحت پوشش قرار می دهند. عملکردهای هیئت منصفه تا اندازه ای بین دادگاههای ایالتی و فدرال و حتی بین خود دادگاههای ایالتی متفاوت است. پائولا ال. هانافورد-آگور مدیر مرکز مطالعات هیئت منصفه در مرکز ملی دادگاههای ایالتی است.

دادرسی با حضور هیئت منصفه، وجه مشخصه نظام دادگستری آمریکا است. در مقایسه با سایر کشورهای جهان، دادرسیهای بیشتری با حضور هیئت منصفه هر ساله در آمریکا برگزار می شود. بعلاوه، آمریکا از دادرسیهای هیئت منصفه برای پرونده های کیفری که اهمیت کمتری دارند (موارد جنحه)، پرونده های مدنی، و در برخی از ایالات، حتی در پرونده های مربوط به تخطی از دستورات شهرداری ها استفاده می کند. این یک تفاوت بارز نسبت به دیگر کشورهایی است که دادرسیهای هیئت منصفه را به جدیترین پرونده های کیفری اختصاص می دهند

هرچند دادرسی با حضور هیئت منصفه رویداد نسبتاً رایجی در دادگاههای آمریکا است، تشریفات به کار رفته در این دادرسیها به هیچ وجه یکسان نیستند. تفاوتهای قابل توجهی بین دادگاههای ایالات مختلف و همچنین بین دادگاههای ایالتی و فدرال از حیث رویه های دادرسی با حضور هیئت منصفه وجود دارد.

یک تفاوت، تعداد اعضای هیئت منصفه ای است که به استماع دادرسی ها می پردازند. از نظرتاریخی، اعضای هیئت منصفه مشتمل بر 12 نفر بوده و هنوز نیز برای جدّیترین پرونده های کیفری از همین تعداد عضو استفاده می شود. اما، 16 ایالت برای بررسی پرونده هایی که از اهمیت کمتری برخوردارند از اعضای کمتری بالغ بر شش، هفت یا هشت نفر استفاده می کنند و 17 ایالت و دادگاه فدرال برای بررسی پرونده های مدنی از تعدادی کمتر از این نیز سود می جویند.

ایالتها همچنین از لحاظ اتفاق آراء هیئت منصفه، با یکدیگر متفاوتند. دو ایالت اجازه می دهند که اتفاق آراء در دادرسیهای کیفری رعایت نشود و 16 ایالت نیز در مورد پرونده های مدنی، عدم اتفاق آراء را مجاز می دانند.

در اکثر موارد، دادگاهها در رابطه با شرایط صلاحیت اعضای هیئت منصفه، قواعد یکسانی دارند: بزرگسال بودن (حداقل 18 سال سن)، تابعیت آمریکا، اقامت قانونی در ناحیهٔ جغرافیایی تحت پوشش خدمات دادگاه. اما در رابطه با شایستگی افرادی که سابقهٔ محکومیت داشته اند در عمل تفاوتهای رو به افزایشی وجود دارد؛ برخی از ایالتها در صورت داشتن هرگونه محکومیت کیفری، محرومیت دائمی [از خدمت هیئت منصفه] را در نظر گرفته اند، برخی دیگر به افراد اجازه می دهند که در صورت گذشت مدت زمان مشخصی (برای مثال 10 تا 20 سال) به خدمت هیئت منصفه درآیند، و برخی نیز هیچگونه محدودیتی برمبنای سوابق کیفری در نظر نگرفته اند.

همچنانکه آمریکا از لحاظ قومی و زبانی متنوعتر می شود، موضوع مجاز دانستن افراد غیرمسلط به زبان انگلیسی برای خدمت در هیئت منصفه با استفاده از مترجمان زبان خارجی، مورد بحث و گفتگو است. تابحال، فقط ایالت نیومکزیکو این کار را بطور معمول انجام می دهد.

یکی دیگر از مشخصات نظام دادگستری آمریکا تداخل وظایف دادگاههای ایالتی و فدرال است. در مقایسه با بیش از 3000 دادگاه ایالتی و بیشتر از 16000 قاضی دادگاه ایالتی، فقط 94 دادگاه فدرال منطقه ای با 678 قاضی وجود دارد. بسیاری از مؤسسان این کشور به یک دولت قدرتمند ملی بدگمان بودند و به مشخصا منظور محافظت از اقتدار دولتهای ایالتی در برابر تعدّی دولت فدرال، قانون اساسی آمریکا را اصلاح کردند. در نتیجه، بیشتر قواعد تعیین شده در قوانین، مقررات و حقوق عرفی در واقع قوانین ایالتی هستند.

هیئت های منصفه فدرال فقط به دادرسی در پرونده هایی می پردازند که حاوی تخطی از قوانین فدرال باشند و معمولاً جرائمی را در برمی گیرند که تأثیر ملی دارند، مانند تولید و توزیع مواد مخدر بین ایالتها، کلاهبرداری یا تروریسم؛ تخطی از قوانین مدنی فدرال شامل قوانین کار، تبعیض شغلی یا قوانین زیست محیطی؛ و مشاجرات مدنی که افرادی از ایالتهای مختلف در آن دست دارند. در اکثر موارد، رویه های هیئت منصفه معمولاً متمایل به تبعیت از رویه های دادگاهی ایالتی است که دادگاههای فدرال در آن قرار دارند.

انتخاب های انجمن وکلای آمریکا

© Bettmann/Corbis

قضاوت در نورمبرگ (1961) — عضو اصلی هیئت منصفه در یک محاکمهٔ نظامی در سال 1948، قاضی آمریکایی با بازی گری اسپنسر تری، به قضاوت در مورد چهار قاضی آلمانی می پردازد که به علت اجرای قوانین نازی ها، متهم به اعمال جنایت بر ضد بشریت هستند. درست همانطور که قاضی های آلمانی تحت فشار سیاسی از پیروی از اصول خود دست برداشتند، قاضی آمریکایی نیز تحت فشار سیاسی قرار می گیرد تا در مورد این پرونده ملایمت به خرج دهد چون محکوم کردن آنها ممکن است به عنوان پیروزی کمونیست ها تلقی شود. مونتگومری کلیفت (سمت چپ) نقش زندانی در اردوگاه اسرا را بازی می کند که در جایگاه شاهد قرار گرفته است.

© John Springer Collection/Corbis

باد را به ارث ببر (1960) — این فیلم تا حدی تخیلی، بر اساس پروندهٔ مشهور سال 1925 در یک ناحیهٔ روستایی تنسی، محاکمهٔ جنجالی معلم راهنمایی جوانی را باز سازی می کند که متهم به این جرم می شود که نظریهٔ تکامل داروین را تدریس کرده است. وکیل مدافع (به بازی گری اسپنسر تری، سمت چپ) در اینجا در حال یکی به دو کردن با دادستان (به بازی گری فردریک مارچ) است.

نقش روزنامه نگار

از تد گست

© Art Lien /NBC News

موشکافی گزارشگران خبری در مورد محاکماتی که در حضور هیئت منصفه برگزار می شود به عموم مردم این اطمینان مضاعف می دهد که نظام قضایی عادلانه عمل می کند. تد گست رئیس روزنامه نگارانی است که در زمینهٔ دادرسی جنایی کار می کنند. که سازمانی است ملّی واقع در واشنگتن، دی.سی. و به دانشگاه پنسیلوانیا و کالج بخش جنایی جان جی در نیو یورک وابسته است. وی محاکمات در حضور هیئت منصفه را برای روزنامه پست-دیسپچ در سنت لوئیس (میسوری) گزارش کرده و بعد ها در باره بخش جنائی برای مجله خبری یو اس نیوزاند ورلد رپورت مقالاتی نوشته است. این مقاله در شماره ژوئیه 2009 ئی-ژورنال یو اس ای . تحت عنوان ''کالبد شکافی یک محاکمه با حضور هیئت منصفه'' منتشر می شود.

اکثر دعاوی حقوقی در ایالات متحده بدون نیاز به محاکمه حل و فصل می شوند، امّا محاکماتی که در حضور هیئت منصفه انجام می گیرند ممکن است از میان شگفت انگیز ترین و غیر قابل پیش بینی ترین آنها باشند. سنت آمریکایی در برگزاری محاکمات علنی به عموم مردم این اجازه را می دهد تا در این مورد قضاوت کنند که آیا دولتها با ارائه شواهد کافی علیه کسانی که مظنون به ارتکاب جنایت اند، و نه با محکوم کردن افراد بیگناه، از شهر وندان حمایت می کند.رسانه های خبری در محاکمات مانند چشم و گوش عموم مردم عمل می کنند. حتی در مکان هایی که اجازه می دهند محاکمات از طریق تلویزیون پخش شود، گزارشهای خبری شامل اطلاعات مهم در ارتباط با پیشینه یک پرونده، راهبرد حقوقی طرفین، و شاهدان بالقوه و سایر مدارک می شود. در پرونده ای که توجه گسترده ای را بخود جلب می کند، تقش یک روزنامه نگار قبل از انتخاب هیئت منصفه شکل می گیرد. گزارشهای بسیاری ممکن است منتشر یا پخش شده باشد، و از

اعضای هیئت منصفه سوال خواهد شد که آیا آنها را دیده اند. قضاتی که پوشش رسانه ای را پیش بینی می کنند از خبرنگاران می خواهند تا گزارشهای "اولیه" خود در مورد محاکمه را که ممکن است شامل اطلاعاتی باشد که هیئت منصفه تحت تأثیر آنها قرار گیرد، منتشر نکنند. پاسخ خبرنگاران در مورد یک چنین تقاضایی ممکن است به چگونگی نگاه آنان به آن پرونده بستگی پیدا کند. برخی از پرونده ها چنان هیجانی ایجاد کرده اند که سازمانی خبری تصمیم می گیرد حتماً یک گزارشی در مورد چگونگی امکان شکل گیری محاکمه تهیه کند. یا اینکه روزنامه نگاران در میان خودشان توافق می کنند که گزارشهای را تا زمان انتخاب هیئت منصفه بتعویق بیندازند. تنها درچند مورد خیلی معروف است که گزارشگران دادگاه توجهی خاص به انتخاب هیئت منصفه مبذول می دارند. در برخی از این محاکمات، دادستان ها بدنبال مجازات مرگ و ناظران بطور کلی در پی یافتن سر نخ هایی در مورد چگونگی مخالفت بسیاری از اعضای هیئت منصفه با اعدامها هستند. بمجرد آنکه اعضای هیئت منصفه انتخاب می شوند، گزارشگر طبق معمول جریان محاکمه را مانند سایر موارد گزارش می کند، و تصمیم می گیرد که کدامیک از مدارک ارزش ذکر کردن در گزارش آنروز را دارد. از اعضای هیئت منصفه معمولاً در گزارشهای روزانه نام برده نمی شود. در بعضی جاها، اعضای هیئت منصفه ممکن است در خلال محاکمه سوالاتی را مطرح کنند. روزنامه نگاران از این سوالات یادداشت برمی دارند تا ببینند که آیا سر نخی دال بر اینکه اعضای هیئت منصفه به کدام طرف تمایل دارند پیدا می کنند. روزنامه نگاران ممکن است اعضای هیئت منصفه را از راه های غیر عادی تحت تأثیر قرار دهند. جان پینتر جونور ، که روند دادگاه ها را برای "اورگونین" ، که نام روزنامه ای در پورتلند اورگون است گزارش می کرد، به این نکته اشاره کرد که اعضای هیئت منصفه "مخفیانه مرا تحت نظر داشتند و هر زمان که من یادداشتی بر می داشتم آنها نیز چیزی را یاد داشت می کردند." وی چنین نتیجه گیری کرد که اعضای هیئت منصفه عقیده داشتند که او می داند چه چیزی مهم است و ممکن است تأکید بیشتری بر شهادتی که وی آنرا ضبط می کرده می گذاشته است. وی تصمیم گرفت که بمنظور پرهیز از تحت تأثیر قرار دادن اعضای هیئت منصفه از نشستن در ردیفی که در دید آنان باشد خوداری کند.

نظر اعضای هیئت منصفه

اعضای هیئت منصفه نقطه اوج اکثر محاکمات را هنگام اعلام حکم به وجود می آورند، امّا چنین نتیجه ای به ندرت این نکته را روشن می سازد که مذاکرات پشت در های بسته شامل چه مطالبی بوده است. برخی از قضات، که از علاقه شدید رسانه ها مطلع هستند، برای اعضای هیئت منصفه ترتیبی می دهند تا با روزنامه نگاران بصورت کنفرانس های مطبوعاتی بعد از محاکمه صحبت کنند. گزارشگران می توانند از آنها سوالاتی بپرسند بدون آنکه مجبور باشند اعضای هیئت منصفه را در خانه ها و یا اداراتشان دنبال کنند، چون برخی از اعضای هیئت منصفه ممکن است اینکار را نوعی مزاحمت تلقی کنند.

بعضی از دادگاه ها از تماس میان روزنامه نگاران و اعضای هیئت منصفه جلوگیری می کنند. برخی از دادگاه ها از هیئت منصفه گمنام استفاده می کنند، بدین معنی که اعضای هیئت منصفه تنها با شماره مشخص می شوند. شونا موریسون ، گزارشگر روزنامه "روناکه تایمز" در ویرجینیا ، می گوید قضات در منطقه وی از بردن نام اعضای هیئت منصفه یا عکسبرداری از آنها جلوگیری می کنند. هنگامیکه محاکمه بپایان می رسد، اعضای هیئت منصفه تا اتومبیل هایشان همراهی می شوند، و کسی تا زمانیکه اعضای هیئت منصفه آنجا را ترک نکرده اند از سالن دادگاه خارج نمی شود.قضات معمولاً به اعضای هیئت منصفه می گویند که آنها گر چه حق صحبت کردن دارند، صلاح نیست که با کسی در مورد تجربیات خود صحبت کنند. بسیاری از خبرنگاران برای گرفتن مصاحبه از اعضای هیئت منصفه در مورد احساسات آنها در یک پرونده و اینکه چرا به یک حکم خاص رسیده اند موفق بوده اند

.روزنامه نگاران در جایگاه اعضای هیئت منصفه

گاهی از اوقات، یکی از روزنامه نگاران برای عضویت در هیئت منصفه انتخاب می شود و ممکن است تصمیم بگیرد در مورد این تجربه صحبت کند. دنیس کالینز ، که گزارشگر "واشنگتن پست" بوده است، در هیئت منصفه واشنگتن، دی.سی، در سال 2007 که لویس "اسکوتر" لیبّی ، مشاور سابق دیک چنی معاون رئیس جمهوری را بخاطر دادن شهادت دروغ و کار شکنی محکوم کرد حضور داشت. دیگر اعضای هیئت منصفه کالینز را بعنوان سخنگوی خود انتخاب کردند؛ وی به خبرنگاران گفت که بسیاری از این اعضاء با لیبّی اظهارهمدردی کردند و معتقد بودند که وی "سپر بلایی" در یک پرونده پیچیده در باره لو رفتن اطلاعات امنیتی بوده است. این مسئله که دادگاه لیبّی توانست در مقابل هیئت منصفه برگزار شود و خبرنگاران نیز شاهد آن باشند نشانه آشکار این نکته بود که حتی پرونده هائی که شامل مسائل ملی-امنیتی می شوند نیز می توانند در دادگاه های امریکایی مورد مداقه عمومی قرار گیرند.

برخی از اعضای هیئت منصفه در نوشتن تجارب خود با روزنامه نگاران همکاری می کنند. هفت تن از اعضای هیئت منصفه محاکمه جنجالی اسکات پیترسون در کالیفرنیا، که در سال 2004 محکوم به قتل همسر باردار خود، لیسی ، شد با نویسندگان کتابی در این باره همکاری کردند. یک افشاگری در این خصوص این بود که برخی از اعضای هیئت منصفه "از آثار فشار های ناشی از این ضایعه رنج برده و خاطراتی را بطور ناگهانی بیاد آورده اند ... برخی کابوس های شبانه داشته اند، برخی به مرگ تهدید شده اند، و برخی دردهای جسمانی داشته اند." پوشش خبری مسائل حقوقی از سوی یک روزنامه نگار در تضاد با خدمات هیئت منصفه در نظر گرفته نمی شود. این نویسنده که از وی در واشنگتن، دی.سی.، خواسته شد تا وظیفه یک عضو هیئت منصفه را ایفا کند به یک قاضی و وکلای طرف مقابل گفت که وی کتابی در باره دادرسی چنای نوشته است که ممکن است به مشارکت وی جهت خاصی ببخشد. به هر حال وی در میان اعضای هیئت منصفه قرار گرفت.

قانون و نظم بازتاب زندگی واقعی است

مصاحبه ای با ریچارد سورن

© NBC Universal Photo Bank

تصویری، از چپ به راست، از آنتونی اندرسون در نقش کارآگاه کوین برنارد، اسپاتا مرکرسون در نقش ستوان آنیتا وان بورن، و جرمی سیستو در نقش کارآگاه سایرس لوپو در یکی از قسمت های سال 2008 فیلمی با عنوان ''به مبارزه طلبیده شده''

مجموعهٔ تلویزیونی قانون و نظم، *19* سال است که با ارائهٔ پیچیدگی اضطراب آور نظام حقوق جنایی در زندگی واقعی، طرفداران تلویزیونی خود را مجذوب کرده است. در هر یک از بخش های یک ساعتهٔ این مجموعه که تماما در نیویورک تهیه شده، ارتکاب جرمی بررسی می شود که معمولا یک قتل است. این پرونده در وهلهٔ نخست از دید پلیس مورد تحقیق قرار می گیرد که فرد مظنونی را بازداشت می کند و بعد از نظر دادستان، که تلاش می کند وارد مذاکرهٔ اقرار مصلحتی به جرم شود و یا این که هیئت منصفه را متقاعد به محکوم کردن مجرم نماید. ماجراهای این مجموعه غالبا کار پرونده سازی را مثلا هنگامی به تصویر می کشد که قاضی شواهد تهیه شده از سوی پلیس را به دلیل اشکال قانونی رد می کند. ریچارد سورن قبل از این که به نوشتن و تهیهٔ مجموعه قانون و نظم بپردازد دارای *15* سال سابقهٔ کار وکالت در پرونده های جنایی بوده است. او با بروس اودیسی ، سردبیر نشریهٔ الکترونیکی *USA*، به صحبت نشسته است. این مصاحبه شمارهٔ ژوییهٔ *2009* نشریهٔ الکترونیکی *USA*، ساختار محاکمات دارای هیئت منصفه به چاپ می رسد.

سؤال: صحنه های محاکمات، موضوع اصلی فیلم های سینمایی و تلویزیون هستند. فیلم تازهٔ روسی از روی 12 مرد خشمگین، یعنی فیلم کلاسیک آمریکایی متعلق به دههٔ 1950 دربارهٔ محاکمهٔ یک پروندهٔ جنایی ساخته شده. چرا موضوع اصلی تعداد زیادی از فیلم های سینمایی و تلویزیونی را محاکمات تشکیل می دهند؟

سورن: چون محل طبیعی شکل گیری یک درام و یک درگیری هستند. مطرح کنندهٔ زندگی مردم هستند. در پی آورندهٔ داستان های دراماتیک هستند.

س: مجموعه نظم و قانون 19 سال است که از تلویزیون آمریکا پخش می شود. در خارج از کشور هم محبوبیت دارد، حتا در کشورهایی که محاکماتشان بدون حضور هیئت منصفه است، و

یا کشورهایی که حکومت قانون در آن وجود ندارد. رمز جذابیت این فیلم چیست؟

سورن: محبوبیت آن به خاطر این است که یک فیلم مستقل 45 دقیقه ای را نشان می دهد. لزومی ندارد که بخش های قبلی آن را دیده باشید یا آن را یک سال یا پنج سال دنبال کرده باشید – می توانید از هر جایی وارد داستان شوید. وقتی این برنامه را تماشا می کنید، نیازی به دانستن آن چه قبلا گذشته ندارید.

ما سعی می کنیم پرونده های جنایی جالب را انتخاب کنیم، و مردم مجذوب جرایمی هستند که افراد پلیس یا دزدان مرتکب می شوند. جرم چیزی است که به هر زبانی ترجمه می شود.

س: شما به عنوان نویسنده، چگونه به صحنه ها رنگ اصالت حقوقی می زنید؟

سورن: من قبل از شغل فعلی ام، 15 سال کار وکالت پرونده های جنایی را به عهده داشتم. چندین وکیل در میان همکارانمان داریم که حالا نویسنده شده اند، و امیدواریم بتوانیم همه چیز را با رعایت اصالت آن ارائه کنیم. بدیهی است که برای گنجاندن یک محاکمهٔ واقعی در مدت 10 دقیقه از فیلم، باید با استفاده از نوآوری، راه های کوتاه تری جهت انتقال داستان در پیش بگیریم. برای مثال، گاهی شخص متهم به قتل را در یک مرحله از دادرسی به اتاق قاضی راه می دهیم، در حالی که در واقعیت، این موضوع فقط در محل دادگاه اتفاق می افتد.

س: فکر نمی کنید اختیار خلاقانه ای که برای خود قائل می شوید ممکن است دید مردم نسبت به سیستم قضایی را منحرف کند؟

سورن: نه، این طور فکر نمی کنم. من فکر می کنم این برنامه به نوعی به مردم یاد می دهد که طرز کار سیستم حقوق جزایی چگونه است. مردم دربارهٔ حذف جلسات غیر رسمی دادگاه با من حرف می زنند – وقتی قاضی از پذیرفتن مدارک علیه متهم که با نقض قانون اساسی [آمریکا] جمع آوری شده، خودداری می کند – یعنی مواردی که در مجموعه نظم و قانون با آن آشنا می شوند و قبلا از آن اطلاعی نداشته اند. فکر می کنم در این برنامه، سیستم حقوق جزایی موشکافانه تر از برنامه هایی که سابقا من با آن آشنا بودم، ارائه می شود.

س: وقتی برنامه را تماشا می کنیم، این پیام مکرر را می گیریم که مسائل اخلاقی موجود در هر پرونده بسیار پیچیده هستند و مستلزم انتخاب های دشوار می باشند. این ایده تا چه اندازه بخشی از ساختار برنامه محسوب می شود؟

سورن: ما می خواهیم بگوییم که در بخش های خوب مجموعهٔ نظم و قانون، در قسمت اول فیلم که مربوط به تحقیقات پلیس است، معمای جنایی مطرح می شود و در قسمت دوم آن معمای اخلاقی. نیمهٔ اول فیلم معمولا به این می پردازد که "چه کسی مجرم است"، و نیمهٔ دوم به "چرا این جرم واقع شده"، و این انگیزه ای برای دادستان ها است که دیدگاه های مختلفی را مطرح کنند که عدالت در وضعیت های خاص چه معنی می دهد. ما دوست داریم سوژه هایی انتخاب کنیم که خیلی سرراست نبوده و نکته های مبهم اخلاقی داشته باشند تا شخصیت های ما بتوانند موقعیت های جالبی را ارائه دهند.

س: گاهی عدالت در پایان پیروز نمی شود. غالبا نوعی مصالحه پیش می آید. گاهی حتا مجرم از مجازات فرار می کند. چرا فیلم از این سنت مردم پسند فاصله می گیرد؟

سورن: در جهان واقعی، آدم های بی گناه محکوم می شوند، و آدم های گناهکار قِسر در می روند، و اکثریت عظیم پرونده های جنایی از طریق اقرار مصلحتی به جرم حل و فصل می شود. قرار نیست که تماشاگران در پایان هر قسمت از این مجموعه احساس خوبی داشته یا رضایت پیدا کنند – عدالت همیشه هم پیروز نیست، آدم های شرور همیشه هم گرفتار نمی شوند – بلکه باید واقعیت زندگی را منعکس کند. در داستان "جرم شکنان"، قاتل کودکی در یک حریق عمدی از زیر مجازات در رفت زیرا دادستان موفق نشد با ارائهٔ دلایل کافی هیچ یک از دو مظنون را محکوم کند.

س: شما خود به عنوان یک وکیل می توانید بگویید که احکام صادره در محاکمات دارای هیئت منصفه غالب اوقات عادلانه هستند؟

سورن: اگر منظورتان بیش از 50 درصد از مواقع است، بله.

س: چرا هیئت های منصفه بیشتراز این به نتایج عادلانه نمی

© NBC Universal Photo Bank

تصویری ، از چپ به راست، از دنیس فارینا در نقش کارآگاه جو فونتانا و جسی ل مارتین، در نقش کارآگاه اد گرین، در یکی از قسمت های سال 2005 فیلمی با عنوان "روح"

رسند؟

سورن: من فکر می کنم بازی ماهرانه ای میان طرفین وجود دارد. فکر می کنم شهادت دروغ هم هست؛ مردم در دادگاه دروغ هم می گویند. مقررات بدون عیب نیستند، قضات و وکلا هم بی نقص نیستند، هیئت منصفه هم بی عیب نیست. این یک فـÐایند علمی نیست. این تنها بهترین کاریست که از دستمان ساخته است. نقائصی دارد.

س: معمولا افراد پلیس و دادستان ها در فیلم دارای جنبهٔ مثبت هستند. آیا جنبه های منفی هم از آنان نشان داده می شود؟

سورن: گاهی شخصیت ها کارهایی انجام می دهند که دارای نکات ابهام است. برنامه هایی داشته ایم که در آن، افراد دیگر پلیس، نه آنانی که در برنامهٔ ما نقش های اصلی را ایفا می کنند، کارهای بدی انجام دادند. ما بعضی افراد پلیس را تحت تعقیب قرار دادیم. همیشه هم موضوع این نیست که پلیس ها عالی هستند. در یکی از قسمت ها، ''سیاه، سفید، و آبی''، افسران با لباس پلیس مرد جوانی را به عنوان مجازات یک جرم جزئی در محلهٔ خطرناکی رها می کنند، و او در آن محله کشته می شود.

س: وقتی می نویسید، چه نوع مخاطبانی را در نظر دارید، و انتظار دارید تماشاگران تا چه حد از اطلاعات حقوقی برخوردار باشند؟

سورن: مخطبانی که ما در نظر داریم بینندگان تلویزیون متوسط بزرگسال آمریکایی هستند. ما سعی می کنیم سطح فیلم ها را زیاد پایین نیاوریم. انتظار داریم مردم بتوانند اصول حقوق جزا و محاکمات را درک کنند. با در نظر گرفتن بقیهٔ برنامه های تلویزیونی، دوست داریم فکر کنیم ما مورد توجه مردم نسبتا سطح بالا هستیم.

س: وکلا و پلیس، و قضات دربارهٔ این برنامه چه نظری دارند؟

سورن: ما هر از گاهی نامه هایی دریافت می کنیم که در آن گفته می شود این اتفاق هرگز رخ نمی دهد، یا آن مورد ممکن نیست اتفاق بیفتد. و گاهی هم نامه هایی از وکلا داریم که می گویند، ''عجب، چه فکر خوبی! می توانم این را در پرونده ای که دستم دارم امتحان کنم.'' اما گمان می کنم مانند حرفه های دیگر است. اگر یک دکتر به تماشای یک برنامهٔ پزشکی بنشیند، به سادگی می تواند میان بُرها و اختیارات خلاقانه و هنری را تشخیص دهد. فکر می کنم افرادی که در زمینهٔ حقوق جزایی کار می کنند، متوجه می شوند که ما تلاش زیادی برای حفظ اصالت این حرفه می کنیم، اما گاهی مجبور می شویم از اختیارات هنری استفاده کنیم. و آن ها متوجه می شوند که این یک فیلم مستند نیست – یک برنامهٔ تلویزیونی است.

س: آیا با گذشت این چند سال، مرکز توجه این برنامه تغییر نکرده است؟

سورن: نه چندان. ما غالبا جرایم را ازعناوین اصلی جراید می گیریم، و برنامه ها به نوعی برمبنای داستان های واقعی تهیه می شوند. این کاریست که ما در این 19 سال انجام داده ایم.

س: گروه بازیکنان برنامه تا به حال چندین بار تغییر کرده است. این با غالب برنامه های تلویزیونی که معمولا حول یکی از بازیکنان و ستارهٔ فیلم می گردد، متفاوت است. چگونه مجموعه نظم و قانون با چنین الگوی متفاوتی موفقیت خود را حفظ کرده است؟

© NBC Universal Photo Bank

تصویری از رجینا تایلور در نقش سارا ماسلین در یکی از قسمت های سال 1994 فیلمی با عنوان ''تقوا''

سورن: این برنامه دربارهٔ داستانی است که در آن مطرح می شود، نه دربارهٔ شخصیت های آن. موضوع اصلی، جرم و پیگرد قانونی است. شما روی هم رفته به خانهٔ این شخصیت ها نمی روید؛ و نمی دانید وقتی سرکارشان نیستند، چه کار هایی انجام می دهند. تنها محیطی که در آن شناخته می شوند، هنگامی است که با پرونده ای خاص سروکار دارند که این هفته روی آن کار می کنند، و شخصیت پردازی آن ها بسته به نوع واکنششان به پرونده است.

س: در فصل تازهٔ برنامه، دو کارآگاه جوان وجود دارند، در صورتی که در دوره های قبل از کارآگاهان مسن تر استفاده می کردید. این تغییر از کجا ناشی می شود؟

سورن: باگذشت 19 سال، سن شخصیت ها بالا می رود. خوبست که همیشه چهره های باطراوتی وجود داشته باشد که برای تماشاگران جوان تر هم که به اندازهٔ طرفداران قدیمی برنامه با آن آشنایی ندارند، خوشایند باشد.

س: رویکرد کلیشه ای به این برنامه، نقطهٔ ضعف آن است یا نقطهٔ قوت آن؟

سورن: هر دو. روشن است که من به عنوان نویسندهٔ برنامه بیشتر مایل هستم چیزی هایی بنویسم که کلیشه ای نباشد، اما مستلزم دقتی است که به اجرادرآوردن آن واقعا دشوار است. تهیه کردن هر یک از این برنامه ها واقعا پیچیده است؛ مهارتی می خواهد که باید بر آن مسلط شد.

س: شما به عنوان یک وکیل دعاوی پیشین و نویسندهٔ این برنامه، چه پیامی برای کشور های خارج دارید که در محاکماتشان از هیئت منصفه استفاده نمی کنند، و یا شاید از حکومت قانون هم برخوردار نباشند؟

سورن: افراد پلیس و دادستان های ما صمیمانه در طلب عدالت هستند. آن ها انسان هستند و لذا اشتباه هم می کنند، و مسائل شخصی هم وارد داستان می شود.سیستم بدون نقص نیست. شاید سیستم های دیگر در سایر کشورها بهتر جواب بدهد، اما معتقدم که سیستم ما در ایالات متحده خیلی خوب کار می کند.

منابع ديگر

كتابها، مقالات و تارنماهاي مربوط به هيأت منصفه و دادگستري آمريكا

مقالات و كتابها

آبرامسون، جفري. ما، هيأت منصفه: نظام هيأت منصفه و آرمان دموكراسي. نيويورك، نيويورك: بِيسيك بوكز، 1994.

آيتكن، رابرت. قانونگذاران، قانون شكنان و دادرسي هاي غيرمعمول. شيكاگو، ايلينويز: انجمن وكلاي آمريكا، 2008.

آسيمو، مايكل. "12 مرد عصباني: نگاه تجديدنظر طلب". بررسيهاي قانوني كنت شيكاگو، جلد، 82، شماره 2 (2007): ص:726-711. http://lawreview.kentlaw. edu/articles/82-2/Asimow%20Author%20 Approved%20Edits(H)(P).pdf

بورنت، دي. گراهام. دادرسي بوسيله هيأت منصفه. نيويورك، نيويورك: نايف، 2001.

بِرنْز، رابرت. مرگ دادرسي آمريكايي. شيكاگو، ايلينويز: انتشارات دانشگاه شيكاگو، 2009.

مدرك ديجيتالي در دادگاه: راهنمايي براي اجراي قانون و دادستانها. واشنگتن دي سي: مؤسسه ملي دادگستري، 2007. http://www.ncjrs.gov/pdffiles1/nij/211314.pdf

فرگوسن، رابرت اِي. دادرسي در زندگي آمريكايي. شيكاگو، ايلينويز: انتشارات دانشگاه شيكاگو، 2007.

هانس، والِري پي. تجارت در آئين دادرسي: هيأت منصفه مدني و مسئوليت شركتي. نيوهيون، سياتل: انتشارات دانشگاه ييل، 2000.

مايز، گريگوري اي. و پائولا هنافورد-اگور. "ساخت فرآيند بهتر استجواب تمهيدى". مجله قضات، جلد 47، شماره 1 (2008). http://www.ncsconline.org/d_ research/cjs/BuildgBetterVoirDire_000.pdf

اوستروم، برايان ج. واحد سازنده فرهنگ و عملكرد سازماني: دادگاهها به مثابه سازمان. واشنگتن دي سي: مؤسسه ملي دادگستري، 2005. http://www.ncjrs.gov/pdffiles1/ nij/grants/212083.pdf

ريد، دي. شِين. پيروزي در دادرسي. لوئيسويل، كلرادو: مؤسسه ملي وكالت دادرسي، 2007.

سندلِر، پاول مارك. كالبدشكافي يك دادرسي: راهنمايي براي وكلاي جوان. بالتيمور، مريلند: مؤسسه آموزش حرفهاي مستمر وكلاي مريلند (MICPEL)، 2008.

شِدايما، كوري اس. گفتگو درباره عدالت: وكالت مترقي، موكلان كم درآمد، جستجوي تغيير اجتماعي. نيويورك، نيويورك: انتشارات دانشگاه نيويورك، 2009.

شلتون، دونالد اي. "تأثير بررسي صحنه جرم (CSI): آيا واقعاً وجود دارد؟، مجله مؤسسه ملي دادگستري، شماره 259 (مارس 2008): ص. 6-1. http://www.ncjrs.gov/ pdffiles1/nij/221501.pdf

اشتريباي، فِرِد. تساوى: زنان قانون آمريكا را دوباره شكل مي‌دهند. نيويورك، نيويورك: دبليو دبليو نورتون آند كو.، 2009.

سانباي، اسكات اي. تصميمي براي زندگي و مرگ: هيأت منصفه مجازات مرگ را بررسي مي‌كند. نيويورك، نيويورك: پالگريو مك ميلان، 2005.

وِرون، پارتريك ام. "12 فيلم برتر دادرسي". مجله انجمن وكلاي آمريكا (نوامبر 1989). http://www.supremecourt. ne.gov/students-teachers/movies.shtml

ويدمار، نيل، و والِري پي. هانس. هيأت منصفه‌هاي آمريكا: رأي. امهرست، نيويورك: پرومتيوس بوكز، 2007.

تارنماها

انجمن دادگستري آمريكا

ائتلاف بين المللي متخصصان حقوق كه تلاش مي‌كنند تا تضمين نمايند كه قربانيان قصور دادگاه، مورد قضاوت عادلانه دادگاه قرار بگيرند. http://www.justice.org

انجمن وكلاي آمريكا

سازماني ملي نماينده حقوقدانان http://www.abanet.org

خدمت هیئت منصفه در امریکا

درصد متهمان جنایی که توسط دادگاه با حضور هیئت منصفه مجرم شناخته شده اند : 71 درصد
درصد پرونده های جنایی که در آنها به جای رأی دادگاه ، تصمیم هیئت منصفه به توافق منتهی می شود : 69 درصد
درصد پرونده های جنایی تحت که پیش از مشورت های هیئت منصفه غیر قابل طرح اعلام می شوند : 10 درصد

منبع : آیا هیئت های منصفه ای که در آنها اتفاق آراء حاصل نمی شود یک مشکل به شمار می آیند ؟ (سپتامبر 2002) مرکز ملی دادگاه های ایالتی

جامعه دادرسان آمریکا

سازماني بيطرف متشكل از قضات و وكلا كه به دنبال بهبود نظام قضائي هستند. http://www.ajs.org

انجمن اصلاح شبه جرم آمریکا

سازماني ملي مختصّ اصلاح نظام قضائي مدني. http:// www.atra.org

مرکز عدالت برینان

مؤسسه حقوقي و سياست عمومي كه بر مسائل زيربنايي دموكراسي و عدالت متمركز است. http://www. brennancenter.org

مرکز مطالعات هیأت منصفه

مقالات پژوهشي را در موضوعات مربوط به هيأتهاي منصفه و دادرسيهاي هيأت منصفه منتشر مي كند. موضوعات عبارتند از هيأتهاي منصفهي معلق، فشاركاری عضو هيأت منصفه، و نوآوريها در دادرسي هيأت منصفه. متعلق به مركز ملي دادگاههاي ايالتي (NCSC) است. http://www.ncsconline.org/Juries

دادرسيهاي مشهور

گزارشها، نقشه‌ها، عكسها، گزيده‌اي از اسناد، و ساير مواد و منابع درباره دادرسيهاي گذشته. http://www.law.umkc. edu/faculty/projects/ftrials/ftrials.htm

مبارزه "عدالت در معرض خطر"

در جهت اِعمال اصلاحاتي فعاليت مي‌كند تا عدم تأثيرگذاري سلايق خاص و سياستها را بر جريان دادگاه تضمين كند. http:// www.justiceatstake.org

مركز ملي دادگاههاي ايالتي

از طريق مديريت و خدمت به دادگاههاي ايالتي، به دنبال بهبود اجراي عدالت است. http://www.ncsconline.org

دفاع

فيلم مستند تلويزيوني Frontline شبكه پي بي اس [1]درباره توافق حل و فصل دعوي بين مدعي عليه و دادستان با تأييد دادگاه در پرونده‌هاي كيفري دادگاه http://www.pbs.org/wgbh/ pages/frontline/shows/plea

عدالت واقعي

فيلم مستند تلويزيوني Frontline شبكه پي بي اس در موضوع تجربه‌هاي دادستانها و وكلاي دفاع واقعي. http:// www.pbs.org/wgbh/pages/frontline/shows/bostonda

كتابخانه‌ي دادگاههاي آمريكا

مخزني براي اطلاعات قوه قضائيه دولت آمريكا http:// www.uscourts.gov/library.html

براي دانشجويان و دانش آموزان

كالبدشكافي يك قتل: گذری به نظام دادگستري كشورمان

درسهايي درباره نظام دادگستري آمريكا از طريق پيگيري يك پرونده‌ي قتل از مرحله كشف جسد تا دادرسي متهم، شامل موضوعاتي از قبيل جستجو و دستگيري، حق داشتن وكيل، اقرار به گناه و مجازات مرگ. http://library.thinkquest.org/2760

پرونده هويت دزيده شده

رمان تصويری از مركز ملی دادگاههای ايالتی برای كمک به خوانندگان در درک اينكه دادگاهها چگونه اÊ نظام دموكراتيک حفاظت می كنند. http://www.ncsconline.org/D_Comm/Images/justice_case_files_02_preview.pdf

درون دادگاه: صفحه وكلای آمريكا

مقدمه ای بر فعاليتهای دادگاههای آمريكا، شامل توصيفی از دادستانهای فدرال و وكلای آمريكا، راهنمای تصويری درباره ی دادگاه و شركت كنندگان آن، همراه با يک واژه نامه. http://www.usdoj.gov/usao/eousa/kidspage

دادگاههای ما: تعليمات مدنی قرن بيست و يكم

بازيهای مدنی، طرحهای درسی، پيوندهای به منابع، طرحهای مدنی در حال اجرا، و بسياری ديگر. اين تارنما تحت حمايت قاضی بازنشسته دادگاه عالی آمريكا، سندرا دی اوكونور، دانشگاه جورج تاون و دانشگاه ايالتی آريزونا، است. http://ourcourts.org

دادگاههای واشنگتن: منابع آموزشی

منابع آموزشی اينترنتی متعلق به دادگاههای ايالتی واشنگتن، شامل طرحهای درسی و درسهای ويدئويی برای رده ی سنی K-12. اين تارنما همچنين راهنماهايی به نظام دادگاهی، واژگان دادگاهی، و وظيفه هيأت منصفه و منابعی درباره آموزش قضائی و دادرسيهای نمايشی ارائه می دهد. http://www.courts.wa.gov/education

now on facebook

ENGAGING THE WORLD

A MONTHLY JOURNAL
IN MULTIPLE LANGUAGES

http://america.gov/publications/ejournalusa.html

U.S. Department of State, Bureau of International Information Programs